

صنعت گردشگری در اصفهان (مطالعه تاریخی)

دکتر عبدالمهدی رجایی

پژوهشگر تاریخ معاصر و اصفهان‌پژوه

چکیده

صنعت گردشگری برای شهری باستانی و گردشگرپذیر همچون اصفهان خالی از تأثیرات متقابل نیست. از سویی صنعت گردشگری به توسعه شهر کمک کرده است و مسؤولان صدر تا ذیل را ناچار کرده است نگاه ویژه‌ای به درمان مشکلات و ترمیم خرابی‌های شهر داشته باشند و از سوی دیگر این صنعت بر پالایش و بهینه شدن رفتار شهروندان تأثیر بسیاری نهاده است. برای نمونه فرهنگ مهمانداری و متعاقب آن آبروداری یکی از هنجارهای مهم شهری شد. رفتاری که همه سعی می‌کردند مد نظر داشته باشند و رعایت آن را به دیگران یادآوری کنند. این پژوهش با مراجعه به منابع تاریخی، از جمله مطبوعات یک قرن اخیر، تلاش دارد این روند تأثیر متقابل را در شهر اصفهان دنبال کند و آثار صنعت گردشگری بر جنبه‌های مادی و معنوی شهر را بازنمایی کند.

واژه‌های کلیدی: اصفهان، صنعت گردشگری، مدیریت شهری، مطالعه تاریخی

مقدمه

رفت و آمد گردشگران در اصفهان بخشی به دلیل گنجینه‌ها و زیبایی‌های این شهر و بخشی به سبب آن است که اصفهان در محل تلاقی و چهارراهی قرار دارد که راههای چهارسوی کشور از آن می‌گذرند. چنین بود که تقریباً تمامی سفرنامه‌هایی که از همه ادوار تاریخی برجا مانده‌اند، گذری و نظری به اصفهان در آن دیده می‌شود. ظرفیت‌های دیگر از جمله رودخانه زیبای زاینده‌رود و طبیعت چهارفصل این شهر نیز بر امکانات گردشگری آن می‌افزاید. همین وضعیت موجب شد اصفهان تبدیل به شهری گردشگرپذیر شود. شهری که تلاش می‌کند جهانی شود و در مسابقه جذب گردشگر

برای خود جایگاهی دست و پا کند، اما تجربه شهری جهانی و گردشگرپذیر، بر روی شهر اصفهان و گنجینه‌های آن چه تأثیراتی بر جای نهاد؟ این مقوله مردم شهر را چگونه متأثر کرد؟ بر خلق و خو و رفتار شهروندی مردم چه تأثیری داشت؟ دو متغیر صنعت گردشگری و شهر اصفهان چه تأثیراتی بر یکدیگر نهادند؟ در این پژوهش سعی شده است با مراجعه به روزنامه‌ها و مطبوعات یکصد سال اخیر، به این پرسش‌ها پاسخ داده شود. از یاد نبریم که با جامعه دیروز سر و کار داریم. پس روش‌های جمع‌آوری داده‌ها از جمله پرسشنامه و مصاحبه را باید به کناری گذاشت و به منابع مکتوب اکتفا کرد.

سیر ساختار سازمانی گردشگری در ایران

وقتی گردشگری ایران از رویکرد سنتی به سمت صنعتی شدن رفت، ایجاد یک ساختار اداری برای مدیریت امور گردشگری ضروری می‌نمود. نخستین بار در سال ۱۳۱۳ در وزارت داخله «دایره تبلیغات و جلب سیاحان خارجی» تشکیل شد. توجه به دو واژه «دایره» که تشکیلاتی پایین‌تر از «داره» بود و نیز کلمه «سیاحان خارجی» که نگاه و هدف آن سازمان را مشخص می‌کرد، مهم است. (اسنادی از صنعت جهانگردی، ج ۱: ۷۸) در سال ۱۳۳۶ دایره جلب سیاحان، ارتقای درجه یافت و به «داره» تبدیل شد. دو ماه پس از این تحول، در گزارشی از اقدامات آن اداره جدید می‌خوانیم: «در شهرستان‌هایی که بیشتر مورد نظر سیاحان خارجی می‌باشد، کمیسیون دایمی جهانگردی به ریاست فرماندار تشکیل گردید.» (همان، ج ۱: ۳۹۲)

در سال ۱۳۴۱ تحول دیگری در موضوع مدیریت گردشگری در ایران اتفاق افتاد، بدین طریق که «سازمان جلب سیاحان» از وزارت کشور منتزع و به صورت سازمان مستقلی زیر نظر نخست‌وزیر در آمد. رئیس یا سرپرست این سازمان در واقع معاون نخست‌وزیر بود. بدین ترتیب سازمان استقلال بیشتری می‌یافت. البته گفتنی است قانون این تحول در سال ۱۳۴۴ در مجلسین به تصویب رسید. در اساسنامه سازمان گفته شده بود «مقصد از ایجاد و تأسیس سازمان جلب سیاحان از دیاد درآمد ملی و تحصیل ارز خارجی و همچنین صرفه‌جویی در هزینه‌های ارزی کشور و معرفی تمدن و فرهنگ و هنر و سنن باستانی و آثار تاریخی کشور شاهنشاهی و ترویج صنایع ملی از طریق جلب سیاحان خارجی و توسعه داخلی می‌باشد.» (همان، ج ۲: ۶۲۳). درباره اصول و وظایف این سازمان در اساسنامه می‌خوانیم «فراهم نمودن موجبات ایجاد و احیای تأسیسات مناسب جهانگردی از قبیل مهمانخانه و... فراهم نمودن تسهیلات لازم برای سیاحان داخلی و خارجی از طریق ایجاد تسهیلات مربوط به روادید، تشریفات گمرکی، تبدیل ارز، ارتباطات و مخابرات، تردد و مسافرت ... فراهم نمودن موجبات تعلیم و تربیت افراد برای پذیرایی و راهنمایی سیاحان...» (همان، ج ۲: ۶۲۳).

در تیرماه ۱۳۵۳ در حوزه مدیریت گردشگری اتفاق دیگری رخ داد و آن تأسیس «وزارت اطلاعات و جهانگردی» بود. از ادغام سازمان جلب سیاحان و وزارت اطلاعات، این وزارتخانه جدید

خلق گردید. هدف آن بود که سیاست‌های اطلاعاتی و جهانگردی کشور با یکدیگر هماهنگ باشند^۱. (رنجبران و زاهدی، ۱۳۸۴: ۲۰۳) می‌توان پنداشت در همان سال‌های ابتدایی دههٔ چهل سازمان جلب سیاحان در اصفهان نیز صاحب اداره‌ای شده باشد.^۲

گردشگری اصفهان و آثار تاریخی

گردشگری با حفظ و عرضهٔ گنجینه‌های تاریخی شهر ارتباط نزدیکی دارد. البته چنین نیست که همهٔ گردشگرانی که به اصفهان می‌آیند، برای دیدار از آثار تاریخی آن بوده است، اما از آنجا که بخش زیادی از داشته‌های اصفهان در دل عمارات تاریخی نهفته است، یکی از دغدغه‌های اصلی اصفهان‌دوستان حفظ و نگهداری از این عمارات و ابنیه بود. از همان روزگار قاجار دربارهٔ این جایگاه اصفهان در روزنامه‌ها می‌خوانیم «مگر این شهر همان شهر نبود که هنوز در کتب و سینه اهالی دول فرنگستان عظمت و آبادانی و صنایع و بدایع آن مکنون است؟ و هنوز به تماشای آثاری که اکنون در آن شهر باقی است آمده، متذکر همت و هنر ساکنان سلف آن شهر می‌شوند؟» (روزنامهٔ فرهنگ اصفهان، ش ۹۲، ۳۰ ربیع‌الثانی ۱۲۹۸/ فروردین ۱۲۶۰).

بخشی از این حساسیت خود برگرفته از مقولهٔ «گردشگری» بود. وقتی سالانه هزاران گردشگر برای دیدار این آثار قدم به شهر می‌گذارند، علاوه بر حس غروری که به شهروندان دست می‌داد، ارزش آثار تاریخی نیز در دیده و نظر آنان صد چندان می‌شد. چرا که می‌دیدند «بیگانگان» چقدر این آثار را عزیز می‌دارند. پس خود شهروندان به صورت پاسداران و محافظان این «گنجینه» در می‌آمدند. از زمانی که موضوع گردشگری یکی از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های اصفهان مطرح شد، آگاهان و دلسوزان از اینکه در زمان حکمرانی مسعود میرزا ظل‌السلطان، پسر ناصرالدین‌شاه، بخشی از آثار و ابنیهٔ تاریخی شهر به عمد ویران شد، خشمگین بودند. این حسرت همیشه در دل آگاهان اصفهان بود که چرا عمارت نمکدان، آیینه‌خانه، جهان‌نما، هفت‌دست و ... اکنون دیگر نیستند تا گنجینهٔ گردشگری اصفهان غنی‌تر باشد.

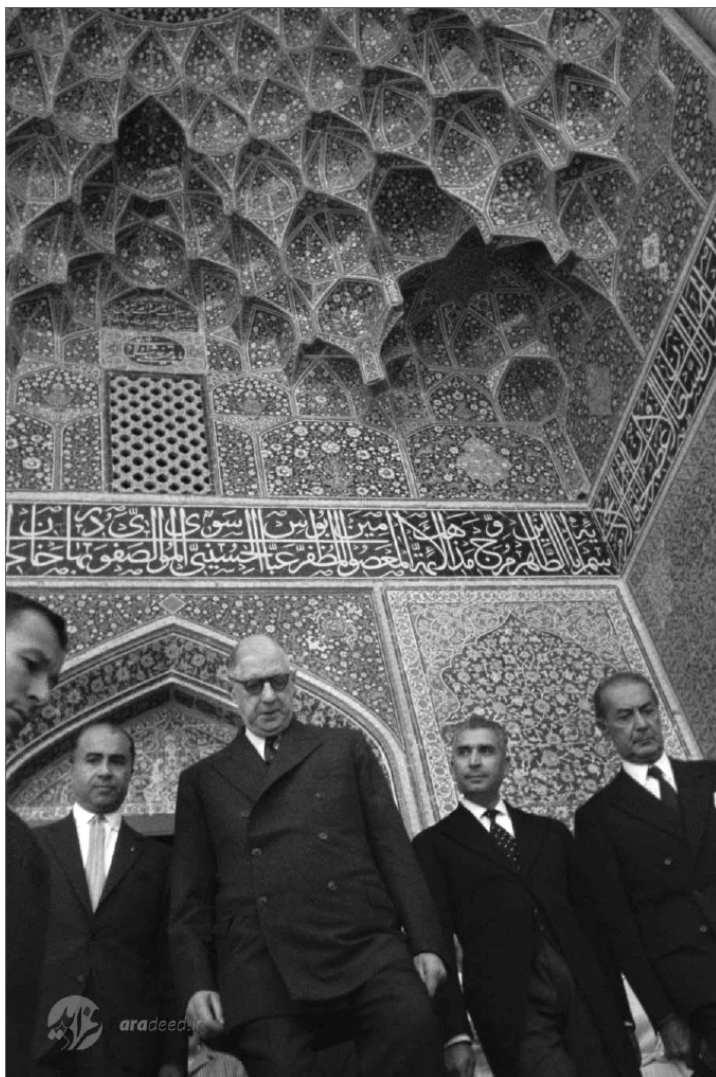
این زبان گلایه و افسوس با رفتن ظل‌السلطان از حکومت شهر یعنی سال ۱۲۸۵ش آغاز شد و تا اواسط دوران رضاشاه مرتب در روزنامه‌ها تکرار می‌شد. به حدی که در سال ۱۳۰۸ش سعید نفیسی به دیدار آثار تاریخی اصفهان آمد و با دیدن خرابی‌ها و بی‌توجهی به آنچه باقی مانده بود، به مردم اصفهان توصیه کرد «حالا آنچه را که می‌گویند ظل‌السلطان خراب کرده و از بین رفته است و چون عوض ندارد

۱. گفتنی است منظور از واژهٔ اطلاعات در اصل آمار و داده‌ها بود، نه آن چیزی که امروز به نام «وزارت اطلاعات» موسوم است.

۲. دربارهٔ روند شکل‌گیری مدیریت گردشگری در ایران و چالش‌های پیش رو ر.ک: رجایی، عبدالمهدی (۱۳۹۴) «تاریخچهٔ مدیریت گردشگری در ایران و چالش‌های آن» رهیافت تاریخی، سال ۴، ش ۱۳، زمستان.

جز افسوس خوردن چاره‌ای نیست، ولی باید دید مردم اصفهان برای نگاهداری آنچه مانده چه فکر خواهند کرد؟» (خگر، ش ۱۴۹، ۱۰ تیر ۱۳۰۸).

متن روزنامه‌ها و عکس‌های باقیمانده نشان می‌دهد آثار تاریخی شهر اصفهان تا اواسط دوره رضاشاه اوضاع مناسبی نداشته است. یک دلیل آنکه ادارات مربوط مثل فواید عامه، معارف و بلدی‌ها آن چنان توان مالی برای مرمت این آثار را نداشتند. در طی این مدت شرمساری برای اصفهانی و ایرانی باقی بود که در مقابل نگاه میهمانان باید ابنیه‌ای رو به ویرانی را به نمایش بگذارند. در سال ۱۳۰۸ ش یک روزنامه شهری نوشت: «ابنیه تاریخی اصفهان دارد متدرجاً رنگ بدی به خود می‌گیرد. معابد مقدسه و مدارس قدیمه ما، که سیاحان معروف عالم آنها را به کاسه‌های چینی تشبیه کرده‌اند، در اثر خرابی‌های وارده و گردهای غریبی که به



ژنرال دوگل در کنار هنرفر

رخسار غربت‌زده آنها نشسته است، از رونق و صفای خود می‌افتند. بل‌های تاریخی در اثر مرور دهور و عدم توجه و مخصوصاً بی‌لیاقتی ما اهالی اصفهان و بی‌مبالاتی مصادر امور رو به خرابی و انهدام می‌روند. اگر چهار صباح دیگر در بر روی همین پاشنه بگردد، به شما قول می‌دهم همان نوحه‌سراییهایی که امروز از طرف نویسندگان و گویندگان حساس برای قصور تاریخی هفت‌دست، نمکدان، جهان‌نما و غیره می‌شود درباره همین آثار باقیه نیز معمول شود.» (خگر، ش ۹۶، ۱۱ فروردین ۱۳۰۸) همین روزنامه دو سال بعد به نوعی سخن سعید نفیسی را تکرار کرد «حرف در این است که ما برای آن عمارات از دست رفته بیش از آن افسوس می‌خوریم که برای حفظ آثار موجود سعی و اهتمام می‌نماییم. اگر آن همه اظهار دلسوزی را که ما برای عمارات خراب شده می‌نماییم، برای حفظ ابنیه موجود می‌کردیم، قطعاً حال و روز مسجدشاه یا مسجدجامع و سایر این قبیل آثار به این روزگار فلاکت‌بار نمی‌افتاد.» (خگر، ش ۵۴۷، ۱۷ فروردین ۱۳۱۰)

شاید در پاسخ به همین نیازهای فوری بود که در سال ۱۳۱۰ مقرر شد عمارت‌های چهلستون

و عالی‌قاچو از ارتش ستانیده و به بلدیة اصفهان سپرده شوند. (خگر، ش ۶۲۴، ۱۳ مرداد ۱۳۱۰) سال بعد نیز وزارت کشور به شهرداری‌ها یادآور شد که مطابق «نظام‌نامه قانون تشکیل بلدیةها» حفظ و مرمت آثار تاریخی شهر بر عهده آنان است (خگر، ش ۷۸۱، ۱ شهریور ۱۳۱۱). بالاخره در سال ۱۳۱۵ دو عمارت یادشده از شهرداری به اداره معارف اصفهان تحویل شد تا مرمت اساسی آن آغاز شود. (خگر، ش ۱۱۶۵، ۲۶ مرداد ۱۳۱۵)

از سال ۱۳۱۳ وزارت معارف به نوعی مسؤلیت حفظ آثار تاریخی شهرها را بر عهده گرفت و «اداره عتیقات»^۱ در آن وزارتخانه به همین منظور تشکیل شد. در اولین قدم به اداره معارف اصفهان صورتی از ابنیه شهر ارسال شد و خواسته شد که کسانی برای تنظیم و نگهبانی این عمارات استخدام کنند (خگر، ش ۹۵۹، ۲۸ تیر ۱۳۱۳). چند ماه بعد رئیس اداره عتیقات برای بازدید و برآورد هزینه مرمت ابنیه شهر به اصفهان آمد. او مبلغ ۳۵۰ هزار تومان هزینه برای مرمت آثار تاریخی شهر برآورد کرد که در آن زمان مبلغ بالایی بود. چرا که در همان زمان بودجه یک سال شهرداری اصفهان به صد هزار تومان نمی‌رسید. (خگر، ش ۹۹۰، ۲۴ آبان ۱۳۱۳).

چند ماه بعد وزارت معارف، که ثبت ملی آثار تاریخی شهر را آغاز کرده بود، طی بخشنامه‌ای از اداره معارف اصفهان خواست اجازه ندهند هیچ شخص یا سازمانی در این آثار بدون نظارت معارف دخل و تصرف کند، زیرا بر طبق قانون عتیقات^۲ این‌گونه امور مربوط به وزارت معارف است. (خگر، ش ۱۰۲۱، ۱۳ اسفند ۱۳۱۳).

از سال بعد که شخصی به نام تاج‌الدین امامزاده ریاست معارف اصفهان را به دست گرفت، مرمت آثار تاریخی به صورت جدی شروع شد. نونوار شدن گنبد مسجد شیخ لطف‌الله و دیگر مساجد و مدارس شهر، مرمت‌ها و بازگشت کاشی‌های فرو ریخته، تحسین روزنامه‌ها را برانگیخت.^۳ تحسینی از نگاه قلم گردشگری «حقاً برای جامعه اصفهانی و بلکه ایرانی خیلی ناپسند بود که سیاحان خارجی وارد این شهر شده و آثار خرابی و فروریختگی این بناهای با عظمت را دیده و همین که به ممالک

۱. اداره عتیقات در سال ۱۳۱۶ به اداره باستان‌شناسی تغییر نام داد و ریاست آن همچنان با آندره گذار بود.
۲. «قانون راجع به حفظ آثار ملی» مصوب ۱۲ آبان ۱۳۰۹ یکی از بهترین قوانین مجلس در دوره رضاشاه بود که در مجلس هفتم به تصویب رسید. مطابق این قانون «کلیه آثار صنعتی و ابنیه و اماکنی که تا اختتام دوره سلسله زنده در مملکت ایران احداث شده، اعم از منقول و غیر منقول» جزو آثار ملی محسوب شده و تحت نظارت دولت در می‌آمد. دولت مکلف بود آنها را به ثبت رسانیده و فهرستی از آنها ترتیب دهد. همچنین این عملیات در رابطه با آثار ملی ممنوع اعلام شد: «منهدم کردن یا خرابی وارد آوردن به آثار ملی و مستور ساختن روی آنها»، «اقدام به عملیاتی در مجاورت آثار ملی که سبب تزلزل بنیان یا تغییر صورت آنها شود»، «تملک و معامله بدون اجازه دولت». همچنین طبق ماده ۱۱ این قانون «حفر اراضی و کاوش برای استخراج آثار ملی منحصرأ حق دولت است». این قانون وزارت معارف را حافظ آثار تاریخی قرار داده است.
۳. برای بررسی مرمت‌های انجام شده ر.ک: تاریخچه معارف اصفهان، ۱۳۱۳، اداره معارف اصفهان.

خویش باز می‌گشتند، ما را به‌عنوان لاقید و بی‌اعتنا به آثار تاریخی خویش به باد فحش و انتقاد بگیرند» (اخگر، ش ۱۰۷۵، ۷ مهر ۱۳۱۴).

تعمیرات میدان نقش جهان و دیگر ابنیه تاریخی آن قدر چشمگیر بود که طی بازدید سال ۱۳۱۶ رضاشاه و ولیعهد «از مشاهده تعمیرات و اوضاع میدان بسیار خشنود گردیده» (اخگر، ش ۱۲۲۷، ۱۹ فروردین ۱۳۱۶) وقتی که آنها به مسجد شاه وارد شدند، «تمام قسمت‌های آن را ملاحظه و برای تعمیرات آنجا، مخصوصاً تعمیر گنبد و اصلاح سنگفرش سطح مسجد اوامر مؤکده صادر فرمودند». علاوه بر این در بازدید از مسجد شیخ لطف‌الله نیز دستور داده شد فرش سطح زیر گنبد را کاشی نمایند. (اخگر، ش ۱۲۲۷، ۱۹ فروردین ۱۳۱۶) مسلماً دستورات دیگری نیز در باب مرمت آثار تاریخی شهر از سوی وی صادر شده بود. با نظر به روحیه استبدادی و البته روش پیگیری که رضاشاه داشت، می‌توان تصور کرد انجام «وامر ملوکانه» در اولویت همه دستگاه‌های اداری استان و حتی کشور قرار گرفته باشد.

دو سال بعد از این آماده‌سازی‌ها، یک موج گردشگری ویژه برای اصفهان مهیا شد. میهمانان خارجی که برای مراسم جشن عروسی محمدرضا ولیعهد و فوزیه به ایران آمده بودند، فوج فوج راهی اصفهان شدند. آنها با هواپیما به اصفهان و شیراز سر می‌زدند. هتل «ایران‌تور» اصفهان، که مهم‌ترین هتل شهر بود، محل اقامت آنان در نظر گرفته شد. طبق اخبار هیأت‌هایی از آلمان، ایتالیا، لهستان و انگلیس به اصفهان آمدند. (اخگر، ش ۱۴۲۵، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۸). می‌توان تصور کرد مقامات شهری برای آنکه در مقابل دیدگان این میهمانان دربار نقایصی وجود نداشته باشد، تلاش زیادی در مرمت و بهسازی ابنیه تاریخی شهر کرده باشند.

درباره تعداد آثار ثبت‌شده و هزینه نگاهداری آنها باید بگوییم بعد از شهریور بیست وقتی که این خبر پیچید که قرار است محمدرضاشاه، اموال پدر را به مصرف واقعی خود برساند، عبدالحسین سپنتا، بازیگر و روزنامه‌نگار، اطلاع داد که در اصفهان ۸۸ اثر به ثبت ملی رسیده که بودجه سالانه آنها فقط هشتاد هزار ریال است. این مبلغ بسیار ناچیز بود، او از شاه جوان خواست بخشی از پول‌های یادشده را به مرمت این بناها اختصاص دهد، چرا که اداره فرهنگ و اداره باستان‌شناسی از پس هزینه‌های آن بر نمی‌آیند (عرفان، ش ۱۹۲۰، ۲۹ مهر ۱۳۲۰).

ضرورت توجه به گردشگری در سال‌های دهه سی از آنجا ناشی شد که آگاهان و دلسوزان اصفهان از کمبود منابع مالی برای مرمت و حفظ بناهای تاریخی شهر مطلع شدند. در آن زمان اداره باستان‌شناسی، قادر نبود هزینه سنگین مرمت و نگهداری آثار تاریخی شهر را بپردازد. عشق به شهر و گنجینه‌های آن موجب شد توقع از این اداره بالا باشد. دلسوزان همواره آثار و بناهای بیشتری را برای مرمت معرفی می‌کردند، اما پول زیادی در بساط نبود. پس این فکر به وجود آمد که باید با گسترش بازار گردشگری، درآمد بناها را افزایش داد و این درآمد به جای ارسال به تهران، صرف مرمت خود بنا گردد. «تصور می‌رود بهترین راه برای به دست آوردن سرمایه جهت حفظ و تعمیر این بناها تأمین درآمدی بیشتر از خود این ابنیه است. به شرط اینکه کیفیتی ایجاد کنند که این درآمد مستقیماً به مصرف



بازدید ملکه انگلستان
از آثار تاریخی اصفهان

ساختمان‌ها و تعمیرات و تهیه وسایل نگاهداری آنها برسد. نه اینکه به صندوق دولت برود و برای مصرف آنها مجوز قانونی وجود نداشته باشد. باید دانست که از راه تبلیغات صحیح و اساسی می‌توان نظر سیاحان و عاشقان آثار تاریخی را به طرف اصفهان جلب نموده و به این وسیله با رفت و آمد بیشتری که به این شهر می‌شود درآمد بیشتری برای این ابنیه تهیه خواهد شد.» (خبرهای روز اصفهان، ش ۲۸، ۲۹ تیر ۱۳۳۷) از همین زاویه نگاه عمیق‌تر و جدی‌تری به مقوله گردشگری افکنده و این ضرورت احساس شد که برای نگاهداری از این ابنیه هم که شده، لازم است بازار گردشگری اصفهان رونق بیشتری یابد. در کنار درآمدهای بلیطی که خود ابنیه کسب می‌کردند، رفت و آمد هیأت‌ها و مقامات بلندپایه خارجی در همان سال‌ها در اصفهان ادامه داشت. فرایندی که خواه ناخواه به بهبود اوضاع کلی ابنیه تاریخی شهر می‌انجامید. به موجب خبر روزنامه در سال ۱۳۳۶ مقاماتی چون «رئیس جمهور لبنان، برادر امپراطور ژاپن، صدراعظم آلمان، خانم رئیس‌جمهور ایتالیا و بسیاری از شخصیت‌های برجسته دیگر که همه معروفیت جهانی دارند و میهمانان عالی‌قدر کشور شاهنشاهی بوده‌اند»، به اصفهان مسافرت کردند. (خبرهای روز اصفهان، ش ۲۷، ۱۴ تیر ۱۳۳۷) نکته مهم آن بود که گاهی اوقات خود شاه نیز هم‌رکاب میهمانش به اصفهان می‌آمد. شاید مهم‌ترین آنها ملکه انگلیس بود که در سال ۱۳۳۹ به اصفهان آمد. در سال ۱۳۴۳ به مناسبت بازدیدی که شاه، به همراه میهمانانش از مدرسه سلطانی (چهارباغ) کرد، دستور داد مبلغ دو میلیون ریال برای مرمت این بنا اختصاص داده شود. که به نظر می‌رسد این هزینه‌ها خارج از بودجه عمومی اداره باستان‌شناسی اصفهان بوده‌اند و بیشتر جنبه حفظ آبرو را داشته است: «در مسافرت‌هایی که در سال‌های اخیر اعلی حضرت همایون شاهنشاهی و علیاحضرت شهبانوی ایران به اتفاق سلاطین خارجی، من جمله ملکه انگلستان و پادشاه دانمارک به اصفهان فرمودند، در ضمن

بازدید آثار تاریخی اصفهان از مدرسه سلطانی نیز دیدن فرمودند و از آنجایی که حفظ و نگهداری آثار باستانی کشور ما مورد توجه خاص شاهنشاه بوده است، در مورد تعمیر و مرمت بنای نفیس مذکور اوامر مؤکدی ضمن دستور پرداخت هزینه صادر کرد» (خبرهای روز اصفهان، ش ۴۲۵، ۱۸ خرداد ۱۳۴۳) پذیرایی از میهمانان خارجی معمولاً با تشریفات خاصی همراه بود. در عکس‌هایی که از بازدید مقامات بلندپایه اروپایی در سطح پادشاه، ملکه و ریاست جمهوری از اصفهان باقی مانده است، علاوه بر استاندار وقت، عده زیادی از مقامات و بزرگان شهر نیز دعوت بودند. یک نمونه در سال ۱۳۴۶ که پادشاه و ملکه تایلند به اصفهان آمدند، خود شاه و ملکه فرح نیز همراه آنها بودند. در میدان نقش جهان مراسم با استقبال مهندس پارسا، استاندار وقت و به همراهی سرپرست اداره کل فرهنگ و هنر، رئیس دانشکده ادبیات، مدیرکل آموزش و پرورش استان، رئیس باستان‌شناسی و نیز یکی از استادان زبان فرانسه دانشکده ادبیات بود. البته راهنمای اصلی دکتر لطف‌الله هنرفر، رئیس پیشین اداره باستان‌شناسی و استاد تاریخ دانشکده ادبیات بود که در بیشتر بازدیدها حضور داشت. در طی مراسم عده‌ای از دانش‌آموزان اصفهانی نیز در مسیر راه و در میدان صف کشیده بودند و هورا می‌کشیدند. کاری پرمشغله و خسته‌کننده برای مقامات شهری، اما پرفایده برای ابنیه تاریخی اصفهان. زیرا همه مقامات شهری را به نوعی با موضوع ابنیه شهر و پاکیزگی آن متفق‌القول و عمل می‌کرد. استاندار در همین بازدید «راجع به تعمیر و ترمیم آثار تاریخی و اقداماتی که در مسجدشاه از لحاظ روشنایی مسجد به عمل آمد و همچنین اقداماتی که در چهلستون راجع به تعویض ستون‌ها و احیای نقاشی‌های این کاخ به عمل آمده شخصاً توضیحات لازم به پیشگاه شاهنشاه آریامهر معروض داشت» (اصفهان، ش ۱۵۰۶، ۷ اردیبهشت ۱۳۴۶). منظور آن است که چنین بازدیدهایی موجب می‌شد شهر اصفهان در تیررس دید مقامات بالای کشوری قرار گیرد و خواه ناخواه موضوع مهم نظافت، مرمت ابنیه و احتمالاً آسفالت خیابان‌ها و هر چیزی که در معرض دید میهمانان بود، باید مد نظر قرار می‌گرفت. گفتنی است در دهه سی و چهل از این بازدیدهای پر تشریفات سالیانه چند مورد اتفاق می‌افتاد.

تأثیرات گردشگری بر شهر

بدیهی است حضور و وجود صدها گردشگر در شهر، تأثیرات زیادی بر ارکان مختلف مادی و معنوی آن بر جای می‌نهد. از یاد نبریم این فرایند چندین قرن ادامه داشته است. پس این فرهنگ که در حضور میهمان یا بیگانه باید به نکات و دقایق بیشتری توجه کرد، در کنار آن باید وسایل رفاه و راحتی وی را همواره مد نظر داشت، یکی از جلوه‌های فرهنگی هر شهر گردشگرپذیری است. این فرهنگ در جاهایی به نفع شهر است. اینکه ضروری است شهری پاکیزه در جلو چشم گردشگر نمایش بدهیم، یا اینکه به سبب حضور گردشگران از انجام یا بروز بعضی ناهنجاری‌های شهری اجتناب کنیم و دهها نکته دیگر که در موضوع «حفظ آبرو» نهفته است. در اینجا بعضی تأثیرات مثبت گردشگری بر شهر

اصفهان را از نگاه روزنامه‌های همان روزگار، به‌عنوان نماینده افکار عمومی، دنبال می‌کنیم. جان کلام حرفی بود که روزنامه‌ی اخگر در سال ۱۳۱۵ اعلام کرد «در شهری که امروز مطمح انظار دنیاست و از دورترین نقاط روی زمین به تماشای آثار تاریخی آن می‌آیند، نمی‌توان به صورت و مظهر زندگی چند سال قبل خویش ادامه دهیم.» (اخگر، ش ۱۱۳۵، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۱۵).

گردشگری و پاکیزگی شهر

شهر باید پاکیزه باشد. حتی وجود یک زباله کوچک در خیابان به چشم می‌آید، اما این دیدگاه شهروندان امروزی است و شاید برای شهر دهه سی، نه مدیران شهری چنین رسالتی برای خود احساس می‌کردند و نه شهروندان به چنان رشد و آگاهی رسیده بودند که شهر را تا آن پایه تمیز نگه دارند. اما موضوع گردشگری و مقوله میهمان‌پذیری و آبروداری نزد انظار خودی و بیگانه موضوع دیگری است که باید حساب جداگانه‌ای برای آن گشود. بی‌گمان میهمان‌پذیر بودن اصفهان تأثیر زیادی در ایجاد روحیه داشتن شهر پاک در فرهنگ مردم آن داشته است. می‌توان گفت شعار «شهر ما خانه ما» برای مردم اصفهان تبدیل شده بود به «شهر ما میهمان‌خانه ما» این نگاه که شهر مورد بازدید خودی و بیگانه است و نباید شرمنده میهمان بود، یا مورد ملامت او قرار گرفت، از همان زمان و از همان زاویه مورد نظر بود. مطبوعات به‌عنوان زبان قلم افکار عمومی از شهرداری و نیز از خود مردم خواهش می‌کردند شهر را پاکیزه نگه دارند. آنها مسؤلیت جمعی مورد اشاره را به شهروندان و مسؤولان به صورت مکرر یادآوری می‌کردند. در سال ۱۳۱۱ که هنوز آسفالت خیابان‌ها در ایران مرسوم نبود، روزنامه‌ی اخگر پیشنهاد کرد برای فرار از گرد و خاک خیابان‌ها بهتر است آنها را سنگفرش کرد و ادامه داد «قبول بفرمایید که باقی ماندن این وضعیت غریب نه تنها برای خود ما اسباب اشکال و زحمت و بدبختی است، بلکه در انظار بیگانگانی که این روزها به طور وفور وارد این شهر شده و می‌خواهند از تماشای آثار تاریخی و مناظر زیبای اصفهان استفاده نمایند، حقاً باعث شرمساری و ننگ و افتضاح جامعه ایرانی است.» (اخگر، ش ۸۰۸، ۵ دی ۱۳۱۱).

گاهی وقت‌ها که تصویر زشتی از شهر در جایی منعکس می‌شد، مطالبه عمومی برای پاکیزگی شهر شدیدتر می‌شد. یک بار در سال ۱۳۳۷ یک گردشگر شیرازی از کثیفی شهر اصفهان در روزنامه محلی آنجا نوشت و با رسیدن خبر آن به نویسندگان روزنامه «خبرهای روز اصفهان»، این روزنامه با عصبانیت نوشت «وضع آشفته دستگاه شهرداری اصفهان نه تنها مردم شهر را ناراضی ساخته، بلکه مسافرینی هم که با کمال اشتیاق برای زیارت آثار باستانی به پایتخت شاهان صفوی روی می‌آورند، از کوجهای کثیف و خیابان‌های آلوده به خاشاک و بوی عفنی که از فاضلاب حمام‌ها استشمام می‌شود، به قدری منزجر می‌شوند که اغلب آنها در مراجعت مشاهدات دردناک خود را در صفحات جراید منعکس می‌کنند.» مقاله ضمن انعکاس بعضی قسمت‌های آن شکایت‌نامه به تندى پرسید «چرا شهرداری

اصفهان به وضع فلاکت اشتغال و تضرع اهالی که از عفونت بوی ناشی از کثرت کثافت و عدم تطهیر کوی و برزن‌ها به ستوه آمده‌اند، توجه نمی‌کنند؟ و چرا مأمورین مربوطه را ملزم به رفت و روب کویچه‌ها و جلوگیری از ریختن زباله و خاکروبه که مولد صدها گونه امراض می‌باشد، در سر گذرها نمی‌نمایند؟» (خبرهای روز اصفهان، ش ۴۲، ۱۰ آبان ۱۳۳۷)

میدان نقش جهان به‌عنوان قلب گردشگری اصفهان و نقطه تمرکز نگاه گردشگر باید همیشه پاکیزه بماند. روزنامه اصفهان: «در نظافت و تطهیر میدان، که به منزله مرکز جلب زائران خارجی است، باید نهایت سعی و کوشش به عمل آید، نه آنکه مانند سابق در هر گوشه، کثافت و زباله و قیر آب شده و پاره‌تخته‌ها و مواد زاید نجاری و غیره پراکنده باشد.» (اصفهان، ش ۲۴۶۷، ۱۳ مهر ۱۳۵۰)

تقاضا برای پاکیزگی شهر از خیابان‌ها به اطراف رودخانه هم کشیده شد. روزنامه‌نگار با اشاره به کثیفی اطراف رودخانه و دیده شدن لاشه حیوانات مرده بر روی آب نوشت «ساحل زیبای رودخانه زاینده‌رود مخصوصاً از سی‌وسه پل تا پل فلزی برای مردم اصفهان بی‌دردسرتین و کم‌خرج‌ترین تفریحگاه به‌شمار می‌رود، ولی در این قسمت از ساحل غالباً مناظر ملال‌آور و نفرت‌انگیزی دیده می‌شود که اصفهانی را از تماشای آن چشم‌انداز بیزار می‌کند و بیگانه هم که با دیدن آن معلوم است درباره روح و حس مردم اصفهان و وظیفه‌شناسی مسؤولان شهر چگونه قضاوت می‌کند.» (خبرهای روز اصفهان، ش ۴۲۸، ۸ تیر ۱۳۴۳)

گردشگری و توسعه شهر

عمارت‌ها و ساختمان‌ها نیز این امکان را دارند که یکی از جاذبه‌های شهر باشند. چنانکه امروز بسیاری از شهرهای اروپا چنین موقعیتی دارند. در سال ۱۳۴۴ روزنامه اصفهان با خشم فراوان درباره شهر اصفهان نوشت «اگر چند عمارت تاریخی را از آن جدا و خیابان‌های چهارباغ و پهلوی [مطهری فعلی] و کمال‌اسماعیل را مستثنی کنیم، چه چیز جالب توجه و چه مناظر شایسته تماشا دارد؟» او یادآور شد که خیابان شاه (طالقانی فعلی) در سال ۱۳۱۳ تعریض شده است، ولی تاکنون مغازه‌های اطراف آن بسیار زشت و بدنما باقی مانده‌اند؛ «ببینید اکثر مغازه‌های آن دارای ننگین‌ترین مناظر، و گویی گدایانی صاحب مستغلات آن هستند که قدرت نماسازی آن را ندارند. دو متر سنگ مرمر یا تراورتن در سراسر این خیابان دیده نمی‌شود. یک عمارت سه طبقه با فرم جدید به نظر نمی‌رسد. یک کاشیکاری جالب که بایستی علامت فارق ساختمان‌های شهر ما با ساختمان‌های سایر شهرها باشد، دیده تازه‌واردان را به خود جلب نمی‌کند... خیابان هاتف نمای اکثر ساختمان‌هایش با اینکه بیش از سی سال است احداث گردیده، هنوز مایه ننگ و سرشکستگی است. در این صورت بفرمایید بدانیم اصفهان چه دارد که ما در منظر مهمانان خودمان جلوه‌گر سازیم؟» (اصفهان، ش ۱۲۷۱، ۱۵ فروردین ۱۳۴۴) درباره ساختمان‌ها و خانه‌های مسکونی شهر خلاصه کلام روزنامه این بود که سیاحان گمان می‌کنند «اصفهانی باهنر، اصفهانی باذوق، اصفهانی باهوش در مورد شهرسازی ذوق و سلیقه خود را فراموش کرده است. و حتی توانگرترین



میدان نقش جهان
سال ۱۳۵۶

افراد آن از ایجاد ساختمان‌های آبرومند در جبهه خیابان‌ها ترس دارند. گویی از نمودار ساختن اثر ثروت خود در انظار عمومی جدا می‌ترسند.» (اصفهان، ش ۱۲، ۱۲۸۶، خرداد ۱۳۴۴)

از سوی دیگر نبودن یک فرودگاه مناسب و در خور شهر گردشگری اصفهان

یکی از نکات سرافکنندگی بود. تا دهه پنجاه فرودگاه کوچک اصفهان در محلی در جنوب تخت فولاد قرار داشت. «چون شهر اصفهان در آینده نزدیکی یکی از مراکز مهم جهانگردی دنیا خواهد شد و مسلماً اکثر آنها با هواپیما مسافرت خواهند کرد و فرودگاه کنونی نه گنجایش نشست هواپیماهای زیادی را دارد و نه شاید هواپیماهایی که سرعت سیرشان مافوق سرعت صوت است، می‌توانند در فرودگاه کنونی فرود آیند»، بنابراین باید در فکر یک فرودگاه مناسب بود. (اصفهان، ش ۱۵۱۵، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۶)، البته خبر قسمت امیدوارکننده نیز داشت «از هم اکنون مهندسی اعزامی دولت مشغول انتخاب زمینی هستند که گنجایش لازم را برای نشستن صدها از این قبیل هواپیماها داشته باشد. و به طوری که می‌شود فرودگاه مزبور در چند فرسخی قسمت شرقی شهر تهیه خواهد شد.» (همان جا) نقیصه بعدها رفع شد و فرودگاه جدید شهر اصفهان در چند کیلومتری اطراف شهر برپا شد که هنوز هم مورد استفاده است.

شهری که مطمح نظر گردشگران جهانی است، باید توسعه‌ای همه‌جانبه و پایدار را داشته باشد. نمی‌توان «ویترینی» عمل کرد. یعنی بخش‌هایی از شهر را عقب‌مانده نگه داشت و آنها را از چشم گردشگر پوشاند. از نظر گردشگر تأسیسات شهری همچون لوله‌کشی آب و فاضلاب مهم است. امری که سرانجام در اصفهان در دهه چهل کلنگ کار زده شد و در همان دهه بخش کلی شهر زیر پوشش شبکه فاضلاب و لوله‌کشی آب درآمد.^۱ اما بخش‌هایی از شهر هنوز از این امکانات شهری محروم بود. موضوعی که برای گردشگرانی که به محله دردشت و دیگر محلات شمال شهر می‌رفتند تا امامزاده درب امام و مدرّس ابن سینا را ببینند، بسیار ناخوشایند می‌نمود. در سال ۱۳۴۵ روزنامه خواستار آن شد که محلات محروم شهر نیز آباد شوند. «ناحیه ۳ اصفهان از دوره باستان آثاری دارد که برای توریست‌ها و سیاحان اگر در درجه اول اهمیت نباشد، یقیناً در درجه دوم اهمیت قرار دارد (از جمله آرامگاه ابن سینا). کتاب‌ها و نقشه‌هایی که سیاحان دارند نمی‌گذارد جهانگردان محقق از دیدن آن محل و محل‌هایی مثل آن محروم بمانند. وجود مسجد جامع، امامزاده درب امام واقع در ناحیه سه خواه ناخواه پای جهانگردان را به این ناحیه می‌کشد» (اصفهان، ش ۱۶، ۱۳۹۱، تیر ۱۳۴۵) شاید این

۱. برای بررسی تاریخچه فاضلاب اصفهان ر.ک: رجایی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۴-۱۷۵.

انگیزه که حیثیت شهر و کشور در گرو آن بود، باعث شد تأسیسات شهری زودتر به محلات فقیرنشین شهر وارد شوند. به طور کلی روزنامه اصفهان معتقد بود «من که یک نفر اصفهانی هستم با کمال صراحت می‌نویسم روزی که علیاحضرت ملکه انگلستان و روزهای اخیری که اعلی‌حضرت پادشاه دانمارک به شهر زادگاهم نزول اجلال فرمودند، بی‌نهایت متأثر بودم که برای دیدن اثر تاریخی مسجد جامع، شاهد و ناظر خرابه‌های خیابان هاتف و مخصوصاً فلکه مفتضح و بی‌آبروی مجاور مسجد نامبرده بشوند. شرم داشتم که خدای ناکرده آنها بفهمند هنوز شهر ما دارای مجرای فاضلاب، لوله آب تصفیه‌شده، تئاترهای باشکوه، استادیوم‌های ورزشی آبرومند، باغ‌های متعدد ملی و کودکان نمی‌باشد. شرم داشتم که خدای ناکرده نسیمی بوزد و از کوچه‌های تنگ و تاریک و پر از چاله اطراف خیابان هاتف، بوی تعفن به مشام آنها برسد. و مخصوصاً شرم داشتم که چشم آنها به در و دیوارهای کاهگلی قسمت‌هایی از این خیابان و قسمت مقدم کوچه‌های بدنما و ننگین آن بیفتد» (اصفهان، ش ۱۰۹۲، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۲) امینی، مدیر روزنامه، معتقد بود که یا دروازه‌های کشور را بر روی گردشگر ببندید یا اعتبار مخصوصی برای عمران و آبادی کلی شهر قرار دهید «به‌صورتی که در انظار بیگانگان مایه آبروریزی نباشد» (همان) نگاه گردشگری و موضوع حفظ آبرو در رویکرد مدیران شهری نیز به‌شدت جلوه‌گر بود. به حدی که می‌توان پنداشت یکی از انگیزه‌های پیش‌برنده پروژه‌های توسعه شهری همین نگرش بوده است. در سال ۱۳۴۳ مهندس پارسا، استاندار اصفهان، در یک مصاحبه مطبوعاتی لزوم اجرای پروژه لوله‌کشی آب اصفهان را، هم از دید داخلی و هم از نگاه خارجی بیان کرد. او در جواب خبرنگاری گفت «امر لوله‌کشی نه تنها از نظر خودمان، بلکه از نظر دنیا و مخصوصاً از نظر جلب سیاحان بیشتری به کشور، مورد کمال احتیاج است. امروز یکی از بزرگترین و مهمترین منابع درآمد اغلب ممالک از ناحیه جلب سیاحان است و با اینکه شهر تاریخی اصفهان بهترین مرکز برای جلب سیاح است، هنوز یک‌صدم آنچه که مقتضی اصفهان است، سیاحان به این شهر نیامده‌اند... چون تاکنون وسایل آسایش و بهداشت سیاحان در اصفهان، به طور کامل فراهم نشده، که از آن جمله همین آب تصفیه شده است» (اصفهان، ش ۱۲۰۰، ۲۱ تیر ۱۳۴۳) مسلم همین دیدگاهها را استاندار با مسؤولان وقت و تصمیم‌گیرندگان اصلی، مانند سازمان برنامه، در میان گذاشته و رضایت آنها را برای جلب اعتبار کافی برای انجام پروژه‌های پیش‌گفته به‌دست آورده است. بدین ترتیب موضوع گردشگری و توسعه شهری به صورت دوجانبه بر یکدیگر اثر می‌نهادند. یعنی گردشگری به توسعه شهر کمک می‌کرد و شهری توسعه‌یافته، گردشگران بیشتری را به خود جلب می‌کرد.

رفتارهای نابهنجار شهروندان

آنچه گردشگر می‌بیند، فقط خیابان‌ها و ساختمان‌ها نیست. گردشگر رفتار مردم شهر را نیز به دقت زیر نظر دارد. فرهنگ شهروندی و شعور اجتماعی در این رفتار به روشنی متجلی است. موضوعی که



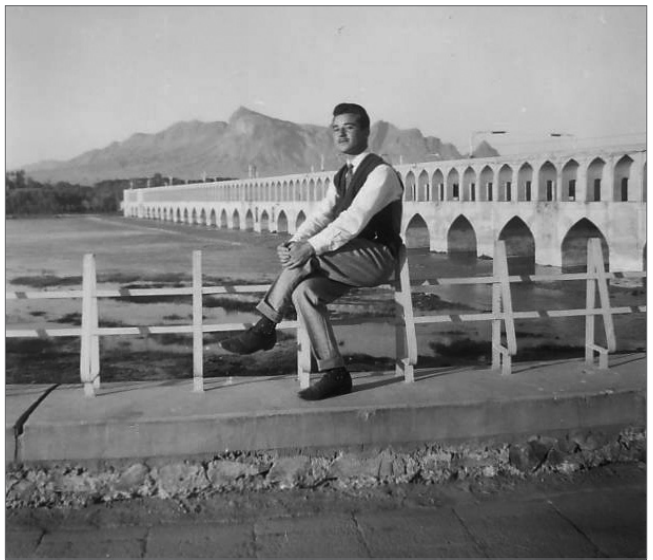
خیابان دالان بهشت
جنوب غربی پل خواجه
سال ۱۳۴۰

برای گردشگر همتراز نظافت شهر اهمیت دارد. شهری که رانندگی یا نظافت آن بد باشد، یا مردم در کوچه و خیابان رفتارهای نابهنجار نشان داده و این امر به صورت فرهنگ در آمده باشد، خواه ناخواه در فکر

و روح گردشگر اثر منفی خواهد گذاشت. آنها نمی‌توانند حساب شهر را از شهروندان جدا کنند. خصوصاً گردشگر خارجی که همهٔ مردم یک کشور را یکسان می‌بیند. پس باید تک‌تک شهروندان شهر گردشگرپذیر احساس مسؤولیت کنند و همواره خود را زیر نگاه تیز میهمانان ببینند. در غیر این صورت آبروی همه رفته است. بدین جهت هشدارها همگانی است. نکته‌ای که برای روزنامه‌نگار دلسوز بسیار اهمیت دارد، آن است که نکند گردشگر خارجی از این صحنه‌های ناجور عکسی هم بردارد. مسلماً بعد از چند بار هشدار و ایجاد حساسیت همگانی، این نوع رفتارها کمتر تکرار می‌شود. به گونه‌ای که می‌توان گفت دوری از چنین رفتارهایی جزو فرهنگ عمومی یا فرهنگ شهروندی مردم می‌شود. در این صورت «اشخاص مجبور و ناگزیر می‌شوند برای حفظ منافعشان خود را مہیای برخورد با خارجی‌ان بنمایند و از سیستم‌های محلی و بومی بگذرند و خود را به یک سطح بین‌المللی برسانند.» (کلباسی، ۱۳۵۳: ۱۷۵)

شاید به این دلیل است که امروزه شهر اصفهان یکی از پاکیزه‌ترین شهرهای ایران است. مزاحمت برای گردشگر خارجی بسیار نادر است و همه کمر همت بر بسته‌اند که در نگاه گردشگر، شهری ممتاز ارائه دهند. در اینجا به چند نکته از این نابهنجاری‌ها که در روزنامه‌های محلی انعکاس یافت، اشاره می‌شود: رانندگی و میزان رعایت قوانین مربوط از ملاک‌های مهم قضاوت دربارهٔ فرهنگ عمومی مردم شهر است. آن روزها اتومبیل زیادی در خیابان‌های شهر در حال گذر نبود، اما در عوض خیابان‌ها مملو از دوچرخه بود. از کارگران کارخانه‌ها تا محصلان و مردم معمولی همه از دوچرخه استفاده می‌کردند و البته رعایت قوانین مربوط در میان آنها جدی گرفته نمی‌شد. موضوعی که روزنامهٔ اصفهان از نگاه گردشگری قصد اصلاح آن را داشت. روزنامه پس از فهرست کردن اعمال خلاف قانون دوچرخه‌سواران اضافه کرد «آقایان دوچرخه‌سواران! جهانگردانی که به شهر تاریخی اصفهان می‌آیند، وقتی با اعمال و افعال خلاف قانون شما روبه‌رو می‌شوند، همه را یادداشت نموده و حتی عکسی هم از شما می‌گیرند و بعداً در روزنامه‌ها و مجلات اروپایی و حتی آمریکا چاپ می‌کنند، و مردم اصفهان را وحشی و عقب‌افتاده و بی‌تربیت معرفی می‌نمایند.» (خبرهای روز اصفهان، ش ۲۰۸، ۳مهر ۱۳۴۰)

گدایی و گدایان در شهرهای گردشگرپذیر یکی از مقوله‌های نازیبای شهر هستند. در سال ۱۳۳۸ یکی از خوانندگان روزنامهٔ اصفهان از خیابان چهارباغ می‌گذشت که مشاهده کرد زنی در حال گدایی و با لباس‌های ژنده همراه با فرزندانش جلو گذرندگان را می‌گیرد. در همین حال «بانو و آقای، که بعداً



شمال سی‌وسه پل
اوایل دهه پنجاه

فهمیدم آلمانی هستند، از آن محل عبور می‌کردند. به محض دیدن آن صحنه دوربین خود را بیرون آوردند. از سه سمت سه عکس از آن منظره روح‌گداز برداشتند.» (خبرهای روز اصفهان، ش ۶۳، ۸ خرداد ۱۳۳۸) خبرنگار از دیدن این صحنه بسیار شرمگین شده و خواستار رسیدگی است. گدایان در سال ۱۳۵۲ به میدان نقش جهان نیز رخنه کردند. جمعیتی عجیب،

متشکل از شهرهای مختلف کشور «زیباترین و تاریخی‌ترین میدان‌های جهان به صورت کلکسیون زنده‌ای از چهره‌های مختلف افراد متکدی در آمده و روزانه مدل‌های جورواجوری از صادرات شهرهای مختلف را در خود جای می‌دهد. این میدان زیبا و پربرکت همان میدان شاه خودمان است که به واسطه قدرت جلب جهانگردان ایرانی و خارجی به صورت یکی از مراکز عمده عرضه صنایع دستی در آمده و از آنجا که طی دو سه سال اخیر به واسطه هجوم کم‌سابقه توریست، زمینه مطلوبی در آن محل ایجاد شده، جماعت گدایان با در نظر گرفتن شرایط مساعد، به طور دسته‌جمعی به سوی میدان مذکور بورش برده» (اصفهان، ش ۲۹۰۶، ۸ اردیبهشت ۱۳۵۲). روزنامه پیش‌بینی کرد با این روند، گردشگران دیگر قید بازدید از میدان را خواهند زد. درباره گدایان نیز باید شهرداری احساس وظیفه می‌کرد و به جمع‌آوری آنها از خیابان‌ها و مکان‌های گردشگری اقدام می‌کرد.

مشاغل ناهمگون با محیط شهری نیز از جمله مواردی بود که موجب «آبروریزی» می‌شد. کناسی یا پیت‌کشی یکی از آن اصناف بود. کسانی که محتوای چاههای فاضلاب خانه‌ها را خالی می‌کردند و بر پشت الاغ به مزارع می‌بردند.^۱ بنا به نظر خواننده روزنامه خبرهای روز، دو نفر گردشگر آلمانی مورد اشاره «هنوز دویست متر راه نرفتند که به سر سه‌راهی رسیدند و باز با هدایت خانم و کمک شامه ایشان به کوچه دست چپ که منتهی به مسجد سرخی می‌شود رفته، بیش از چند متر از این کوچه راه پیمودیم که قیافه عبوس دو سه رعیت با چند کودک پیدا شد که مشغول تنقیه و تخلیه فاضلاب مستراح‌ها بودند. لازم به تشریح نیست که از آن قیافه‌ها با آن لباس‌های مخصوص و آن وضع اسف‌انگیز چند عکس برداشته شد. حالا همه چیز برای شما واضح شد و توجه فرمودید که قضاوت یک نفر خارجی ایران نیامده، با مشاهده این مناظر نسبت به ایران و ایرانی چه خواهد بود.» او از شهرداری می‌خواهد که با ساماندهی این افراد کاری کند که «بهانه و سوژه به دست خارجیان نیفتد. و حیثیت ما ملعبه انتقاد و هتاکی قرار نگیرد» (خبرهای روز اصفهان، ش ۶۳، ۸ خرداد ۱۳۳۸).

۱. درباره کناس‌ها و وضعی که در کوچه و خیابان‌های شهر به وجود می‌آوردند، رک: رجایی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۵-۱۷۵.

یکی از مشاغل ناجور شهری روسپیگری است که متأسفانه به دلیل سیاست‌های عمومی در زمان رژیم سابق ابعاد وسیعی یافته بود. روزنامه حضور این طیف از زنان در ملاءعام را موجب سرافکندگی همه می‌دانست؛ «امروزه در اکثر خیابان‌ها، در گوشه و کنار و مرکز شهر محل تجمع زنان فاسد شده است... متلک گفتن آقایان و حرف‌های زننده زنان مذکور چنان منظره ناراحت‌کننده‌ای به وجود می‌آورد که هر انسان حساسی را ناراحت و شرمسار می‌سازد... چرا هر تازه‌واردی که از اطراف و اکناف ایران و دنیا وارد این شهر می‌شود، باید عمل این قبیل زنان را خدای ناکرده حمل بر فساد عمومی مردم شهر ما بکند و درباره ما قضاوت نابجا نماید؟» (اصفهان، ش ۱۳۳۲، ۷ آذر ۱۳۴۴) شش سال بعد این مطلب به روزنامه‌های تهران درز کرد که در بعضی خیابان‌های اصفهان روسپیان متمرکز می‌شوند. روزنامه اصفهان خشمگین شد که چرا باید اصفهان با این امر زشت معرفی شود «نصف جهان را با مظاهر دیگری می‌شناسند. اینجا شهر جهانگردان است و در جوار گنبد‌های مینایی رنگ مساجدش، ساختمان‌های رفیع ذوب‌آهن و کوره مرتفع ذوب فلز تن به آسمان می‌سایند. اصفهان را با آب و هوای تمیز و قابل استنشاق و زیبایی غروب خورشید در ساحل زاینده‌رود می‌شناسند. فرق است بین شهر ما با فی‌المثل تهران... تحقیقاً خیلی از مسافرانی که به شهر ما می‌آیند متوجه چنین وضعی بوده و می‌شوند، اما وسیله‌ای در اختیار نبوده که اظهارات خود را منعکس کنند.» روزنامه از مسؤولان خواست کاری کنند در خیابان‌های اصلی شهر این وضعیت دیده نشود. (اصفهان، ش ۲۵۴۸، ۲۸ دی ۱۳۵۰).

بی‌انصافی و سوءاستفاده بعضی کسبه شهر از رفت و آمد گردشگران، یکی از آفت‌های بزرگ شهرهای گردشگرپذیر است. روزنامه از ساخت و عرضه سوغاتی‌های بی‌کیفیت و گران‌فروشی بعضی اصناف گلایه کرده و خبر داده است که در یک مورد در محصول گز اصفهان که شهرت جهانی دارد، میخ پیدا شده است. درنهایت اضافه می‌کند «اصفهان شهر تاریخی است و با اقداماتی که برای جلب سیاحان و رفت و آمد مسافرین خارجی به این شهر می‌شود، بایستی پیشه‌وران و اصناف و صنعتگران و هنرمندانی که در تماس با این دسته هستند، در فروش اجناس و کارهای هنری خود نهایت انصاف و مروت را مرعی دارند و عملی انجام ندهند که ما را در نظر خارجیان مردمی آزمند و متقلب و بی‌توجه جلوه دهند.» (خبرهای روز اصفهان، ش ۴۵۱، ۲۷ دی ۱۳۴۳).

یکی از جلوه‌های بارز شهر اصفهان صنایع دستی آن است. در سال ۱۳۴۴ گویا بعضی از هنرمندان و سازندگان صنایع دستی راه تقلب را در پیش گرفته بودند؛ «صنایع دستی اصفهان در اثر رقابت‌های نامشروع و عدم کنترل مسؤولان مربوط به صورت بسیار مسخره‌ای در آمده و برای سیاحان خارجی که به شهر ما می‌آیند، این توهم پیش آمده است که واقعاً هنر اصفهانی که در دنیا کوس شهرتش پیچیده به این مسخرگی و افتضاح است؟!» مثالی که روزنامه می‌آورد آن است که در بعضی موارد به جای قلمزنی، از دستگاه پرس استفاده می‌شود؛ «یکی دو نفر از قلمزن‌های اصفهان دستگاه پرس وارد کرده و بشقاب‌ها و دیگر اشیائی که باید روی آن قلمزنی بشود، پرس می‌کنند. خارجی‌ها به محض

دیدن آن می‌گویند این پرس است.» (اصفهان، ش ۱۲۸۸، ۱۹ خرداد ۱۳۴۴). روزنامه به وزارت فرهنگ و هنر هشدار داد «اگر نمی‌خواهند به خاطر بیچارگی عده‌ای کاسب و صنعتگر هنرمند در کار صنایع دستی اصفهان نظارت کنند، لاقل برای آبروی ایران و چشم و چراغش اصفهان ببندیشند. و قبل از اینکه بازارهای جهان را کارهای بدلی و مسخره ما پر کند، جلو این تقلب فاحش و آبرو بر باد ده را بگیرند.» (همان جا) می‌توان گمان کرد بحث آبرو که در میان باشد، افکار عمومی خود صنعتگران از این گونه اقدامات مشمئز خواهند شد.

سد معبر یکی از رفتارهای نازیبا در بازار است. کسبه در مواقع خاص و در بازارهای مختلف شهر، محصولات و وسایل خود را جلو مغازه می‌گذارند. امری که تا امروز هم دیده می‌شود. چهل سال پیش خبرنگار روزنامه از این رفتار کسبه نالیده است «باز مانند سابق هر مغازه علاوه بر آنکه از نظر داخلی تمیز و مرتب نیست، مغازه‌داران نیز هر کدام جلو دکاکین خود را با قرار دادن وسایل مایحتاج خود اشغال کرده و به صورت کارگاه و یا انبار آلات و ابزار زاید در آورده‌اند، که هر آن با پای پیاده‌های برخورد کرده ... ارائه کالا به صورت قرار دادن در وسط پیاده‌روهای اطراف میدان نیز لزومی ندارد، چون هر بیننده و طالبی که قصد خرید کالا را داشته باشد، بی‌شک به دنبال آن خواهد گشت.» (اصفهان، ش ۲۴۶۷، ۱۳ مهر ۱۳۵۰).

مشکل دیگر آنجا بود که بعضی راهنمایان تورها نیز در فکر چاپیدن گردشگران بودند. «تنبانی قبلی راهنمایان توریست‌ها با فروشندگان موضوع بغرنجی است که تاکنون لاینحل مانده است. جنسی که قیمت واقعی آن یک هزار ریال است، در بعضی مواقع تا مبالغ زیادتری به توریست فروخته می‌شود که مازاد آن به مصداق «نصف لی و نصف لک» بین راهنما و فروشنده برادروار تقسیم می‌شود. اگر از طرف شهرداری اجناس چند فروشنده عمده و جالب نرخ‌بندی شده و با نصب تابلو به سیاحان شناسانیده شوند، شک نیست که نتیجه بهتر حاصل خواهد شد.» (اصفهان، ش ۱۳۹۶، ۲۸ تیر ۱۳۴۵)

عمل ناپسند «قضای حاجت» در گوشه و کنار خیابان‌های شهر گاهگاهی چشم بینندگان را آزار می‌داده است. در سال ۱۳۳۸ ناظری از اینکه کوچه پشت مسجد شیخ لطف‌الله به صورت مستراح عمومی درآمده بسیار عصبانی است. جایی که «هر کس از آنجا عبور کند، می‌بیند که کسبه و کارگران آنهنگری، با ظرف کوچک آب، برای رفع حاجت مشغول هستند. شاید در عکس‌هایی که مسافری و جهانگردان از پشت بام مسجد شیخ لطف‌الله و مسجدشاه گرفته‌اند، منظره اشخاصی که پیاله به دست گرفته و مشغول رفع حاجت می‌باشند، منعکس باشد.» (ستاره اصفهان، ش ۳۸۹، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۳۸). در سال ۱۳۴۴ روزنامه اصفهان معترض است که چرا در بیشتر خیابان‌ها «مستراح» وجود ندارد و کسبه محل و گذرندگان در «منظر همگانی» رفع حاجت می‌کنند: «نگارنده چندی قبل در میدان نقش جهان ناظر این منظره زشت بودم. اتفاقاً عده‌ای از جهانگردان برای تماشای نماهای اطراف میدان در حرکت بودند و با این عمل یکی از کسبه مصادف شدند و عکسی از آن برداشتند. نظایر دیگری نیز

از این نوع مظاهر زنده در خیابان‌های پر رفت و آمد دیده می‌شود که حقاً تأسف‌آور است، ولی ما چون خودمان اهل شهریم و خیلی این قسم چیزها را دیده‌ایم، به نظرمان عادی می‌آید.» (اصفهان، ش ۱۲۷۹، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۴). جالب است بدانیم غرفه‌های سی‌وسه پل نیز در چند دهه پیش نقش مستراح عمومی را بازی می‌کرده است. موضوعی که بارها مورد شکایت روزنامه‌ها واقع شده و سرانجام نیز ساخت مستراح‌های عمومی در دستور کار مسؤولان شهرداری قرار گرفت.

اصفهان‌ها هم چنانکه در حاضر جوابی و بذله‌گویی شهروند، بعضاً در بیان متلک‌های گزنده و ناراحت‌کننده نیز کم نمی‌گذارند. روزنامه اصفهان در سرمقاله‌ای که آمدن عید و میهمانان را نوید می‌داد، از همشهریان خود خواست رعایت کنند که کار به افراط نکشد؛ «بسیاری از مهمانان نوروزی بذله‌گویی و حاضر جوابی اصفهان‌ها را در چنته سوغات‌های خود به ارمغان می‌برند. این لطفیه‌ها باید معرف ذوق اصفهان‌ها باشد و مخصوصاً همشهریان گرامی ما توجه دارند که در بیان آن، به همان کنایه‌های ظریف اکتفا بشود و خارج از حدود ادب و نزاکت نباشد.» (اصفهان، ش ۲۸، ۲۸۵۸، ۲۸ بهمن ۱۳۵۱).

شاید حرف پایانی شخص جهان‌دیده‌ای مثل امیرقلی امینی به شهروندان اصفهان و دست‌اندرکاران امور این بود که «اصفهان امروز یک شهر بین‌المللی است و تعلق به جهان کنونی دارد. کسانی که از دورترین نقاط دنیا به عزم دیدار آثار باستانی این شهر تاریخی و کهن متحمل هزینه‌های گزاف می‌شوند، انتظار دارند هنگامی که وارد این شهر تاریخی می‌شوند، با مناظر روح‌پرور و فرح‌بخش روبه‌رو شوند. ولی وقتی با این مناظر دلخراش مواجه گردیدند، دچار حیرت و شگفتی و انزجار خاطر می‌شوند.» آن وقت همه ارکان شهر متضرر خواهند شد (اصفهان، ش ۱۵، ۱۲۷۹، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۴).^۱

موانع و مشکلات گردشگری

به نظر می‌رسد اساسی‌ترین مشکل در سر راه توسعه گردشگری یک شهر، بعضی مردم آن شهر باشند. شهری که جهانی نشده باشد و سطح آگاهی مردمان آن تا به جایی نرسیده باشد که گردشگر را میهمان و تا حدی «روزی‌رسان» خود ببینند، بنابراین گردشگر را یک مزاحم و حتی ابزار تفریح و چاپیدن خود محسوب خواهند کرد. بی‌گمان بالا بردن سطح آگاهی مردم و حساس کردن آنها نسبت به فراهم آوردن وسایل آسایش گردشگر، یکی از قدم‌های اساسی و اولیه توسعه گردشگری است. حتی

۱. در سال ۱۳۸۴ که دیبا زیرک‌باش تحقیق مهم خود راجع به گردشگری اصفهان را انجام می‌داد، عوامل داخلی تهدیدکننده گردشگری در اصفهان را چنین برشمرد: افزایش آلودگی هوا... دور بودن از دیدگاه گردشگری پایدار و ولع خرده‌بورژوازی در کسب منافع آنی در زمینه‌های مربوط به گردشگری. عدم امنیت کامل گردشگران از جانب برخی ارادل و اوباش... تخریب بناهای تاریخی، عدم نظارت بر کیفیت و قیمت صنایع دستی، اختلافات فرهنگی و عقیدتی صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران سازمان‌های مرتبط. (زیرک‌باش، ۱۳۸۸: ۱۳۵) نکات اشاره شده نشان می‌دهد برخی رفتارها و ناهنجاری‌های اجتماعی هنوز هم در میان برخی از مردمان این شهر وجود دارد و به طور کامل ریشه‌کن نشده است.



استقبال مردم از مقامات

اگر درصد کوچکی از مردم شهر به این بینش نرسیده باشند، بی شک اثر خود را می‌گذارد و صنعت گردشگری شهر را مختل خواهند کرد. در اصفهان نیز بخشی از جوانان و نوجوانان شهر مزاحمت برای گردشگر را وسیله تفریح خود قلمداد می‌کردند. در سال ۱۳۳۶ ناظری در میدان نقش جهان مشاهده کرد عده‌ای جوان، اطراف یک گردشگر فرانسوی را گرفته بودند و «هر کدام به طریقی او را آزار و اذیت می‌نمودند. یکی از آنها می‌گفت این کافر است و باید به او آب دهن انداخت. دیگری فحش خواهر و مادر به او می‌داد، و آن دیگر بند دوربین او را گرفته، به طرف خود می‌کشید و نزدیک بود پاره کند. چهارمی سنگ‌ریزه به طرف او می‌انداخت.» (ستاره/اصفهان، ش ۲۹۱، ۱ خرداد ۱۳۳۶) ناظر وقایع، گردشگر را از دست آنها نجات داد و با نوشتن این گزارش در روزنامه سعی کرد اولیای امور را در این باره حساس‌تر کند. اما وقتی تربیت عمومی در میان مردم شهر بدین حد نرسیده باشد که آزار گردشگر به ضرر خود آنهاست، شهربانی چه می‌تواند بکند؟

گردشگری در حوزه نرم‌افزاری نیز از مشکلاتی رنج می‌برد. شاید یکی از اولین آنها موضوع تشریفات و برآورده کردن آداب و رسوم بود که مثلاً در دههٔ سی، سخت به آنها عمل می‌شد. چنانکه گفته شد، در این زمان برای استقبال و همراهی با یک میهمان رسمی، از شخصیت‌های شهر دعوت می‌شد. که البته در این میان ناهماهنگی‌هایی نیز بود. بنا به قول روزنامه «اگر فی‌المثل یک نفر استاد دانشگاه میهمان ماست، نباید از چند نفر بازرگان برای آشنایی با او دعوت نمود. یا اگر یک عالم اقتصادی به اصفهان می‌آید، نباید پزشکان را برای ملاقات طلبید.» (خبرهای روز، ش ۲۷، ۱۴ تیر ۱۳۳۷). این روزنامه معتقد است برای پذیرایی غذا و مشروبات میهمانان نیز باید نکات دقیقی را رعایت کرد. بنابراین او پیشنهاد کرد «کمیسونی مرکب از نماینده استانداری و تیپ پنج اصفهان، شهرداری و سازمان

امنیت و اطلاعات کشور و اداره باستان‌شناسی و یک مدیر روزنامه و یکی دو نفر از محترمین شهر که به اصول و مقررات و تشریفات این‌گونه پذیرایی‌ها آشنایی دارند، در محل استانداری به طور دایم وجود داشته باشد.» (خبرهای روز، ش ۲۷، ۱۴ تیر ۱۳۳۷)

نگاه کاسبکارانه دستگاههای استان، خصوصاً شهرداری، به موضوع گردشگری یکی از مشکلات بود. سال ۱۳۴۷ شهرداری اصفهان تصمیم گرفت سهم خود را از بازار گردشگری به صورت نقدی و مستقیم دریافت کند. پس در فرودگاه اصفهان مأموری گماشت تا از هر گردشگری که خارج می‌شود، مبلغ ۵۰ ریال عوارض شهرداری بستاند. تا مدت‌ها مناظری زشت در فرودگاه شکل می‌گرفت؛ «بیچاره‌ها فارسی نمی‌دانستند و متحیر بودند مأمور وصول چه می‌گوید. چه می‌خواهد. مأمور معذور هم جلو آنها را سخت گرفته و با زبان بین‌المللی اشاره با دست و سر و ابرو، حتی نشان دادن اسکناس پنجاه ریالی، می‌خواست به آنها بفهماند که تا ۵۰ ریال عوارض شهرداری را نپردازند، حق سوار شدن هواپیما را نخواهند داشت. این منظره شاید به کرات اتفاق افتاده باشد و باعث ناراحتی و عصبانیت عده‌ای از مسافرین خارجی و داخلی و توریست‌ها و آنها که برای بازدید به این شهر تاریخی قدم می‌گذارند، فراهم نموده باشد.» سرانجام در سال ۱۳۵۰ این دم و دستگاه و این عوارض‌ستانی با دستور مستقیم استاندار اصفهان لغو گردید. (اصفهان، ش ۲۸، ۲۳۴۹، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۰). روزنامه از مسؤلان شهرداری خواست وقتی قصد دارند عوارضی را وضع کنند، جهات اخلاقی و اجتماعی آن را در نظر داشته باشند. مشکل دیگر آن بود که تبدیل ارز خارجی به ریال فقط در بانک ملی صورت می‌گرفت که مراجعه به آن در ساعات اداری و با صرف وقت همراه بود. پس روزنامه پیشنهاد کرد «بسیار به موقع است که از طرف بانک ملی در محل فرودگاه، همان‌گونه که در تمام ممالک عالم مرسوم است، یا در یکی دو تا از هتل‌های درجه اول، باجه از طرف بانک ملی قرار داده شود که آنی وسایل تبدیل پول برای مهمانان فراهم باشد.» (خبرهای روز، ش ۲۶، ۷ تیر ۱۳۳۷).^۱ تازه اگر گردشگر همین ارز را هم به ریال تبدیل می‌کرد، برای خرید و بردن سوغاتی محدودیت‌هایی برقرار بود «محدودیت گمرکی نیز مانع از این می‌شود که توریست مقدار زیادتری جنس مورد نظر خود را خریداری نماید. به قرار اطلاع یک نفر توریست فقط می‌تواند در حدود یک هزار دلار جنس بدون پرداخت حق گمرک خارج نماید. اگر این مبلغ افزایش پیدا کند، توریست اجناس بیشتری خریداری می‌کند. و در نتیجه سود سرشارتری عاید مملکت می‌شود.» (اصفهان، ش ۲۸، ۱۳۹۶، ۲۸ تیر ۱۳۴۵)

ندانستن زبان خارجی یکی از موانع ایجاد ارتباط روان میان گردشگر و مردم و مقامات شهر بود. «اکثر در خیابان‌ها دیده‌ایم که یک نفر توریست آدرس مورد نظر خود را از پاسبان راهنمایی یا عابرین سؤال می‌نماید، ولی به علت عدم آشنایی آنها جنجالی برپا شده که باعث سد معبر می‌شود. تا بر حسب

۱. در سال ۱۳۴۴ که کتاب راهنمای اصفهان نوشته شد، در این قسمت آمده است «دفتر مهمانخانه‌ها به نمایندگی از طرف بانک ملی، پول ممالک خارجه را تبدیل به ریال می‌کنند.» (هنرفر، ۱۳۴۴، ص ۲۱۴).

تصادف یک نفر با جملاتی دست و پا شکسته آدرس را به توریست نشان داده ... بسیار ارزنده است اگر پاسبانان راهنمایی نیز در این گونه کلاس (زبان) شرکت نمایند.» (اصفهان، ش ۱۳۹۶، ۲۸ تیر ۱۳۴۵) از سوی دیگر کمبود نیرو در اداره جلب سیاحان در شهرستانها باعث تقلیل سطح خدمت‌رسانی این اداره بود. (اصفهان، ش ۱۳۹۶، ۲۸ تیر ۱۳۴۵).

نبودن تفریحات و سرگرمی‌های شبانه در شهر اصفهان و حتی نبودن سینمایی که نوبتی را فیلم به زبان انگلیسی یا فرانسوی پخش کند، مشکل دیگر بود. «تجربه ثابت کرده است که یک نفر توریست به علت ندانستن وسایل تفریح و سرگرمی، شب در اصفهان نمی‌ماند. برای اینکه اگر بخواهد حتی یک فیلم را تماشا نماید، موفق نمی‌شود. اگر هر شب یک سانس از چندین سانس که یک سینما به معرض نمایش می‌گذارد، به زبان انگلیسی یا فرانسه باشد و کافه و رستوران‌های ارزان و به سبک شرقی مشغول به کار شوند، یک توریست مدت زیادتری در اصفهان اقامت می‌نماید.» (اصفهان، ش ۱۳۹۶، ۲۸ تیر ۱۳۴۵)

یکی از مشکلات گردشگری آن بود که گروهی در شهرداری و سازمان جلب سیاحان معتقد بودند، اصفهان به صورت «ویتیرینی» توسعه نیابد. در سال ۱۳۴۷ کسی در نامه‌ای از مسؤولان شهری پرسید چرا همه نقشه‌های عمرانی شهر از چهارباغ شروع و به همان خیابان ختم می‌شود؟ چراغ‌های مدرن، چمن‌کاری، جدول‌بندی و... «عده‌ای می‌گویند اصفهان شهر توریست‌هاست. این قبول، ولی آیا باید رفاه و آسایش مردم را فدای توریست‌ها کرد؟ تازه بر اثر توجه زیاد به چهارباغ در روزهای تعطیل، خود شما شاهد و ناظر جمعیت انبوهی هستید که برای گردش به این خیابان هجوم می‌آورند و شلوغی سرسام‌آوری به وجود می‌آید. نکته دیگر اینکه آنهایی که توریست واقعی هستند، از تمام قسمت‌های شهر دیدن می‌کنند. توریست هیچ‌گاه فریب ظاهر یا یک قسمت از شهر را نمی‌خورد.» (اصفهان، ش ۱۳۴۷، ۸ خرداد ۱۳۴۷). در سال ۱۳۵۰ کسی با زبانی تندتر گلایه کرد «دولت و شهرداری‌ها به‌عنوان مسخره توریست، سخت به دکورسازی و ویتیرینی‌پردازی افتاده‌اند و از وظیفه اصلی خود که تأمین رفاه مردمی است که اینجا زندگی می‌کنند و انواع مالیات را می‌پردازند، دور شده است.» (اصفهان، ش ۲۴۵۹، ۵ مهر ۱۳۵۰). او اعتراض داشت که «چرا باید کوچه‌ها و بیغوله‌های پنهانی شهر، سال تا سال، رنگ کارگزاران شهرداری را نبینند و در عوض سردر فلان هتل و پیاده‌رو، فلان خیابان وسط شهر و حوض و باغچه فلان میدان در معرض دید، سالی دوبار نوسازی شود؟» وی پس از بیان مشکلات محلات پایین شهر، هشدار داد که یک دسته از توریست‌ها «به دیدن میادین و خیابان‌های اصلی اکتفا نمی‌کنند و با دوربین عکسبرداری و فیلم‌برداری و دفتر یادداشت در تمام بیغوله‌ها سر می‌کشند.» (اصفهان، ش ۲۴۵۹، ۵ مهر ۱۳۵۰). بر این نکته پیشتر اشاره شد که باید شهر به صورت متوازن توسعه یابد، اما حل معضلات شهری روند طبیعی و زمان خود را طلب می‌کند و این نگاه که گردشگری را رها کنند و برق محلات دورافتاده شهر را ساماندهی کنند، باعث می‌شود گردشگری معطل بماند. در عین حال صنعت گردشگری خود موجب ورود ثروت به شهر می‌شود و ابعاد مختلف آن را متحول می‌کند.

گام‌هایی که برداشته شد

مدیران شهری در حد امکانات خود قدر گردشگر را می‌دانستند، خصوصاً گردشگران خارجی را بسیار ارج و قرب می‌نهادند و البته برنامه‌هایی نیز برای گردشگران داخلی داشتند. تقریباً غالب شهروندان اصفهان به این نتیجه رسیده بودند که ورود و حضور گردشگر به نفع خودشان است. رسیدن به این باور فرهنگی خود سرمایه اجتماعی عظیمی بود.

یکی از بزرگترین مشکلات سازمان جلب سیاحان آن بود که در ایران محل‌های اقامتی برای گردشگران کم بود و آنچه که بود، از استانداردهای جهانی فاصله بسیار داشت. مطابق یک سفرنامه کوتاه، در سال ۱۳۰۷ش فقط دو هتل در خیابان چهارباغ اصفهان وجود داشت که هتل «آمریک» و هتل «اصفهان» بودند. بنابر نظر مسافری که در آن سال به اصفهان رفته است: مؤسس هتل اصفهان مختاری نامی بود که در آن سال به دلیل اختلاس در زندان به سر می‌برد. با این حال هتل وضع رضایت‌بخشی داشت «اینجا از هر جهت رجحان بر مهمانخانه‌های رشت، پهلوی و قزوین داشته و حالیه هم با اینکه به واسطه بی‌تکلیفی و تغییر مالک، امورات آن درهم و برهم می‌باشد، ولی باز هنوز آثار شکوه قدیم خود را از دست نداده است.» (اطلاعات، ش ۶۰۶، ۲۳ مهر ۱۳۰۷) سه سال بعد روزنامه آخگر از نبودن محل‌های اقامتی در اصفهان و اینکه یگانه هتل شهر یعنی «هتل آمریک» بسیار گران بود و کارکنان آن رفتار مناسبی نداشتند، شکایت داشت. (آخگر، ش ۵۴۹، ۱۹ فروردین ۱۳۱۰).

در فروردین سال ۱۳۲۶ روزنامه‌ای گزارش داد که میهمانان نوروزی وقتی به این شهر می‌آیند، گمان می‌کنند اینجا چند ده هتل و میهمانخانه دارد، «وقتی وارد شد می‌بیند تمام مسافرخانه‌ها و میهمانخانه‌های این شهر از عدد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند.» نتیجه هم آن می‌شود که در نوروز ۱۳۲۶ «کرا را در این چند شب ایام عید اتفاق افتاد که مسافری بیچاره به علت نبودن جا، ناچار به بیدار بودن تا صبح در حیاط میهمانخانه و توقف در اتوبوس و یا اگر صاحبان اتاق‌های میهمانخانه خیلی مردمان با وجدانی بوده، تازه‌واردین را در گوشه اتاق خود راه داده.» (نقش جهان، ش ۶۶۱، ۱۱ فروردین ۱۳۲۶). مسلم است در این شرایط ترک‌تازی و گرانفروشی صاحبان محل‌های اقامتی بالا می‌گیرد؛ «اجحافتی که به مسافری بیچاره از طرف صاحبان میهمانخانه شده داستان علی حده دارد. به طور قطع قیمت تخت‌خواب در اصفهان از لندن و پاریس و نیویورک گران‌تر شده بود.» (نقش جهان، ش ۶۶۱، ۱۱ فروردین ۱۳۲۶).

با گذشت زمان و ورود میهمانان بیشتر به شهر، نبود محل‌های اقامتی در اصفهان بسیار به چشم می‌آمد. در سال ۱۳۲۹ استاندار اصفهان به نمایندگان اعزامی سازمان برنامه برای تهیه یک هتل بزرگ در اصفهان نوشت «شهر بزرگ و تاریخی اصفهان از لحاظ آثار باستانی شهرت جهانی داشته و همه‌ساله عده زیادی سیاح داخلی و خارجی برای مشاهده این آثار با عظمت به این شهر مسافرت می‌نمایند. ولی متأسفانه در یک چنین شهری که مورد نظر مستشرقین و سیاحان دنیا می‌باشد، یک مهمانخانه آبرومندی



هتل عباسی

که بتواند از مسافری پذیرایی نماید وجود ندارد. و این خود نقص بزرگی است که باید هر چه زودتر رفع شود» (اسنادی از صنعت جهانگردی در ایران، ج ۱: ۲۷۱).

مدتی بعد دوباره استاندار به وزیر کشور لزوم ساخت مهمانخانه را گوشزد کرد، با این نکته که «نه شهرداری اصفهان قادر به ساختمان یک چنین مهمانخانه می‌باشد، و نه در شهر اصفهان ثروتمند با گذشتی هست که خود مستقیماً اقدام به ساختمان مهمانخانه نماید و جز با کمک دولت و سازمان برنامه این کار عملی نخواهد بود.» (همان، ج ۱: ۲۷۳).

در اصفهان یکی دو مهمانخانه بیشتر برقرار نبود که «ایران‌تور» یکی از آنها بود، اما به ناگهان در سال ۱۳۳۵ از فرانسه پیشنهاد جالبی رسید. شاید تا آن لحظه کسی به این فکر نیفتاده بود. سفیر ایران در فرانسه «محسن رئیس» در نامه‌ای در تاریخ ۳/۳/۱۳۳۵ به حسین علا، نخست وزیر وقت، نوشت: «سیاحان می‌گویند البته ساختن مهمانخانه‌های مدرن خیلی خوب است. ولی مسافری خارجی خیلی مایل هستند در جاهایی که سابقه تاریخی و کهن دارد اقامت نمایند و به این جهت پیشنهاد می‌کنند که اگر بعضی عمارات و ابنیه قدیمی تبدیل به مهمانخانه شود، خیلی جالب توجه خواهد بود. به طور مثال می‌گویند که اگر مدرسه مادرشاه اصفهان، که بسیار زیبا است، مرمت و مجهز شود، و در آن حمام و مخلفات دیگر به طرز جدید تهیه شود، بی‌اندازه مؤثر و خوش‌آیند خواهد بود.» (همان، ج ۱: ۳۴۲) دو روز بعد سفیر ایران در فرانسه در نامه اصلاحیه‌ای آورد: «مقصود کاروانسرای معروف به کاروانسرای مادرشاه اصفهان است که اکنون گویا در دست ارتش است و شاید با تغییر محل ارتش از آنجا بتوان محل مزبور را به صورت مهمانخانه با تجهیزات مدرن در آورد.» (همان، ج ۱: ۳۴۳) نخست‌وزیر همین نامه را با نظر مثبت به دکتر محمود مهران، وزیر فرهنگ وقت، ارجاع داد. به این دلیل که آن وقت اداره اوقاف نیز زیر نظر اداره فرهنگ بود.

درست یک سال بعد در اسفند ۱۳۳۶ ش. تیر به هدف رسید و میان شرکت بیمه ایران و اداره اوقاف اصفهان قراردادی منعقد شد که «سرای فتحیه یا آمادگاه سابق» به مدت شصت سال به اداره بیمه اجاره گردد و این اداره در عوض پنج میلیون ریال به صورت پیش‌قسط به اداره اوقاف اصفهان بدهد که هزینه ساخت چند مدرسه می‌گردد.» (مجاهد، ش ۳۴۳، ۲۹ اسفند ۱۳۳۶). در تیر سال بعد مراسم کلنگ‌زنی بازسازی کاروانسرای مادرشاه یا هتل عباسی بعدی اتفاق افتاد. عمارتی در جلو کاروانسرای سابق ساخته شد که حاوی اتاق‌ها و سرسرا و ورودی آن بود. اتاق‌ها نیز بازسازی گردید و کاروانسرا

رنگ و جلوه دیگری گرفت. هنرمندان زیادی در آن عمارت به کار مشغول شدند و سرانجام در سال ۱۳۴۵ «هتل عباسی» آماده پذیرایی از جهانگردان و مقامات بالای کشوری شد.^۱

هتل عباسی گره‌ای بزرگ در داشتن یک هتل آبرومند برای شهر اصفهان را گشود. هتلی که تا به امروز همتایی ندارد، اما سازمان جلب سیاحان در مدیریت آن دخالتی نداشت. این سازمان نظارت و تشویق در امر ساخت مهمانخانه در همه شهرهای کشور را برعهده گرفته بود. در سال ۱۳۴۵ قاسم رضایی، رئیس سازمان جلب سیاحان، به نخست‌وزیر پیشنهاد کرد از آنجا که «میزان سرمایه‌گذاری در مهمانخانه‌های درجه یک سنگین بوده و بازده سرمایه در این نوع مهمانخانه‌ها در مقایسه با سایر فعالیت‌های صنعتی کشور محدود می‌باشد، نتیجتاً کمک مؤثر دولت به بخش خصوصی برای تشویق آنان به سرمایه‌گذاری در این گونه تأسیسات ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.» (همان، ج ۲: ۷۴۳).

علاوه بر این تشویق‌ها که به صورت وام بود، ساخت میهمانخانه به‌دست خود سازمان نیز در شهرهای مختلف در دستور کار قرار گرفت. در سال ۱۳۵۱ این سازمان به نخست‌وزیر گزارش داد «سازمان جلب سیاحان علاوه بر نظارت بر مهمانخانه‌های کشور، اعم از بخش خصوصی و دولتی، به منظور بالا بردن سطح تأسیسات پذیرایی کشور و تشویق و ترغیب بخش خصوصی در زمینه سرمایه‌گذاری در احداث تأسیسات پذیرایی، اقدام به اعطای وام به بخش خصوصی نموده است. مع‌هذا از آنجا که در تعدادی از شهرستان‌ها سرمایه‌داران بخش خصوصی مایل به سرمایه‌گذاری برای ایجاد تأسیسات پذیرایی مناسب نبودند، سازمان جلب سیاحان رأساً و یا با اعطای وام به شهرداری‌ها نسبت به احداث میهمانسرا اقدام نموده است.» (همان، ج ۳: ۹۴۶). در سال ۱۳۴۹ تعداد میهمانسراهای تکمیل‌شده این سازمان در سراسر کشور به ۴۶ رسید. ۸ میهمانسرا نیز در حال ساخت داشت. در استان اصفهان میهمانسرای شهرضا، خوانسار و نایین را در دست بهره‌برداری و میهمانسرای نطنز را در حال ساخت داشت. (همان، ج ۳: ۹۵۲-۹۴۹ فهرست کامل آمده است). این سازمان بعدها یک میهمانسرا در شهر اصفهان با عنوان «میهمانسرای جهانگردی» ساخت که هنوز در خیابان هزارجریب برپا است. در سال ۱۳۴۴ شهر اصفهان بیست هتل و شانزده مسافرخانه داشت. اسم و نشانی آنها در کتاب *راهنمای اصفهان* که به سفارش سازمان جلب سیاحان نوشته شد، آمده است. (هنرفر، ۱۳۴۴: ۱۸۷).^۲

۱. برای داستان مفصل شکل‌گیری و ساخت هتل عباسی، ر.ک: رجایی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۰-۱۱۷.

۲. این هتل‌ها بدین قرار هستند: میهمانسرای شاه عباس کبیر (خیابان شاه عباس = آمادگاه)، هتل اصفهان (میدان مجسمه)، هتل ایران‌تور (عباس‌آباد) هتل سیروس (عباس‌آباد)، هتل جهان = هتل آمریکا (چهارباغ) هتل ساحل (میدان ۲۴ اسفند)، هتل کسری (چهارباغ)، هتل طوس (چهارباغ)، هتل ت ت ت (عباس‌آباد)، هتل ایران (چهارباغ)، هتل پارس (چهارباغ)، هتل داریوش (دروازه دولت)، هتل اصفهان نو (خیابان دروازه تهران)، هتل کارون (خیابان حکیم نظامی)، هتل گلزار (چهارباغ)، هتل زاینده‌رود (خیابان شاپور)، هتل گیتی (خیابان شاپور)، هتل کاوه (خیابان فروغی)، کیان‌هتل (چهارباغ)، هتل آپادانا (میدان مجسمه) (هنرفر، ۱۳۴۴: ۱۸۷).

با این همه محل‌های اسکان، یکی از گرفتاری‌های مدیران شهری در ایام نوروز اسکان دادن سیل میهمانان شهر بود. برای نوروز ۱۳۵۵ معلوم شد استفاده از مدارس سطح شهر، خانه‌های خالی شهروندان و نیز تهیه اردوگاه موقت در دستور کار بوده است. مقاله روزنامه راه نجات با این مقدمه آغاز می‌شود که از چند روز مانده به عید هیچ جای خالی در هتل‌ها و مسافرخانه‌های شهر وجود ندارد؛ «درست است که در مدارس خوابگاههایی در نظر گرفته شده و یا از اشخاص خواسته شده که اطاق‌های خالی در اختیار مسافران بگذارند، اما همه اینها تکافوی جمعیت زیادی را که امسال به این شهر خواهند آمد نخواهد نمود. پس باید محل‌های استراحت به نام کمپینگ در گوشه و کنار به وجود آورد تا اگر مسافری بدون جا ماند و به شکل سرزده آمد، بتوان در جایی محل داد. شنیده‌ایم که شهرداری به احداث کمپینگ مشغول است.» (راه نجات، ش ۱۲۶۸، ۲۱ اسفند ۱۳۵۴).

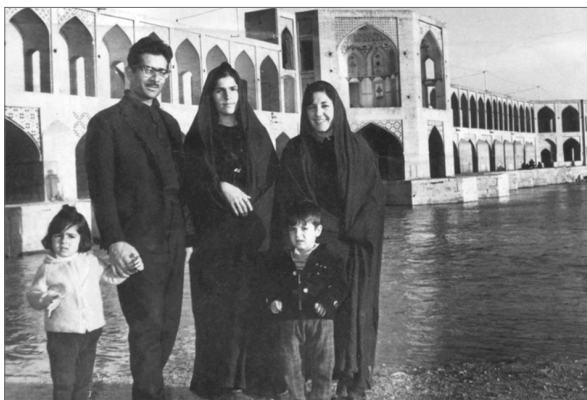
آخرین پروژه وزارت اطلاعات و جهانگردی در اصفهان هتل اینترکانتیننتال بود که در بازدید داریوش همایون، وزیر اطلاعات و جهانگردی، از محل این پروژه در حاشیه جنوبی زاینده‌رود، از زبان معاون فنی این وزارتخانه گفته شد: «ساختمان این هتل با نظارت شرکت توسعه میهمانسراها، وابسته به وزارت اطلاعات، در زمینی به مساحت ۲۷ هزار متر مربع و ۳۶۰ اتاق از خرداد ماه سال ۲۵۳۷ [۱۳۵۷] آغاز خواهد شد»^۱ (راه نجات، ش ۱۷۱۹، ۲ بهمن ۱۳۵۶).

گردشگری داخلی و میهمانان نوروزی

در گزارشی که دبیرخانه شورای عالی اقتصاد در سال ۱۳۴۰ فراهم کرده بود، به نکات اساسی و مهمی در رابطه با علل رشد گردشگری داخلی اشاره شده بود؛ «توسعه اقتصادی، تقلیل ساعات کار با وجود ثبات و بلکه ارتقای قوه خرید عمومی، بهبود طرق ارتباطیه، پیدایش تسهیلات فراوان در مسافرت‌های هوایی، افزایش تعداد وسایل نقلیه عمومی و خصوصی و بسط و توسعه طبقه متوسط که در ایران داشتن یک اتومبیل شخصی یکی از علائم مشخص‌کننده آن از لحاظ علم‌الاجتماع در آمده است.» (اسنادی از صنعت جهانگردی در ایران، ج ۲: ۴۷۶) عوامل پیش گفته موجب شده بود گردشگری داخلی در دهه چهل و پنجاه به سرعت رشد یابد. لازم به گفتن نیست که این نوع گردشگری حجم و توان خود را در ایام تعطیلات نوروزی نشان می‌داد.

درباره گردشگری داخلی باید گفته شود هم روحیه مهمان‌نواز ایرانی و هم توجه به مقوله گردشگری موجب شده بود تمام مسؤولان و ادارات شهر اصفهان در پذیرایی از میهمانان رو به تزاید

۱. این هتل هرگز ساخته نشد. اما چند سال پیشتر در سال ۱۳۴۷ در جنوب غربی سی‌وسه‌پل در زمینی به وسعت ۱۱ هزارمتر کلنگ احداث هتل شرایتون بر زمین خورد و در سال ۱۳۵۱ افتتاح شد. یک سال بعد نام هتل کورش گرفت. همزمان با انقلاب اسلامی نام آن به هتل قدس تغییر یافت و بالاخره یک سال بعد نام هتل کوثر جایگزین آن شد.



نوروزی بسیج شوند. گزارشی از نوروز ۱۳۴۴: «بحمدالله تعالی امسال برای مهمانان نوروزی شهر ما عید خوب و مسرت‌بخشی بود، چرا که هم ارزاق به استثنای گوشت که به فراوانی سال‌های قبل نبود، فراوان بود و هم شهرداری اصفهان مراقبت کامل می‌کرد که از طرف کسبه اجحافی به مهمانان

نشود. از طرف دیگر با اینکه اکثر خیابان‌های شهر بر اثر لوله‌کشی آب، ماه‌ها به حال خرابی افتاده بودند و میدان دروازه‌دولت نیز در دست ساختمان بود، در نتیجه فعالیت تیمسار وحدانیان (شهردار) برای این ایام تا حد زیادی مرمت و تمیز گردیده و نسبتاً صورت آبرومندی به خود گرفته بودند. هر چند هوای اصفهان تا حدی سرد شده بود، ولی آفتاب درخشان و فیضان آب زنده‌رود به مهمانان شهر ما روح تازه‌ای می‌داد، به طوری که اکثر از رفتن به شیراز صرف‌نظر کرده، یا روزهای اول عید را در اصفهان اقامت گزیده و از روزهای چهارم و پنجم به طرف شیراز عزیمت نمودند. وضع انتظامات شهر بر اثر اوامر صادره از طرف سرکار سرهنگ دژبخش، رئیس محترم شهربانی، و مراقبت و فداکاری افسران راهنمایی و افسران شهربانی و افراد پلیس کاملاً خوب و شایان ستایش بود.» (اصفهان، ش ۱۲۷۱، ۱۵ فروردین ۱۳۴۴)

در سال ۱۳۴۶ اقدامات وسیع‌تری برای میهمانان نوروزی به عمل آمد. «به دستور آقای مهندس پارسا، استاندار اصفهان، اقدامات همه‌جانبه‌ای به‌منظور تأمین رفاه و آسایش میهمانان اصفهان در ایام نوروز انجام گرفته است. از جمله پنج اکیپ راهنمایی در کیوسک‌های مخصوص در دروازه تهران، دروازه شیراز، دروازه ازنا و میدان ۲۴ اسفند مستقر گردیده و هر گونه اطلاعات مورد نیاز میهمانان عزیز را در تمام مدت شبانه روز در اختیار آنان قرار خواهند داد. و یک مرکز راهنمایی نیز با یک گروه راهنما و چند دستگاه جیب در باشگاه فرهنگیان آماده رفع نیازمندی‌های میهمانان شهر خواهد بود. و راهنمایان اداره باستان‌شناسی و سازمان جلب سیاحان نیز میهمانان ارجمند را برای دیدار از آثار تاریخی هدایت خواهند کرد.

این اکیپ‌ها همچنین آمار اتاق‌های خالی میهمانخانه‌ها و آدرس محل امانی را که از طرف شهرداری اصفهان با همکاری مدیران هتل‌ها و مسافرخانه‌ها برای اقامت میهمانان نوروزی آماده شده در اختیار مسافران قرار می‌دهند. شهرداری اصفهان نرخ کرایه هتل‌ها، مسافرخانه‌ها، رستوران‌ها و اغذیه فروشی‌ها را تعیین و در اماکن مذکور نصب نموده و اقداماتی در زمینه تأمین مایحتاج عمومی و تثبیت قیمت‌ها انجام داده. در این زمینه برای نانوايي‌ها، رستوران‌ها و اغذیه‌فروشی‌ها کشیک شبانه

تعیین گردیده و جدول مربوط در اختیار مراکز راهنمایی قرار گرفته است. به منظور سهولت در امر توزیع بنزین علاوه بر پمپ‌های ثابت، چند تانک بنزین نیز در مناطق مختلف شهر مستقر گردیده. «در ادامه گزارش می‌خوانیم شش تعمیرگاه سیار در جاده‌های منتهی به شهر مستقر شده‌اند. تلفن‌های اداره راه اطلاعات را در اختیار مسافری می‌گذارند. از طرف اداره بهداشتی پست‌های امدادی در مسیر جاده‌ها استقرار یافته‌اند. یک پست امدادی با هلیکوپتر آماده به خدمت است. جمعیت شیر و خورشید سرخ اصفهان با تمام تجهیزات امدادی آماده‌باش است. این جمعیت دو بیمارستان امدادی موقت در داخل شهر مستقر می‌کند که بیست و چهار ساعتی هستند. (روزنامه اصفهان، ش ۱۴۹۷، ۱ فروردین ۱۳۴۶).

دو سال بعد آقای مقامی، شهردار وقت اصفهان پیش از فرارسیدن تعطیلات عید وظیفه سنگین شهرداری و سازمان‌های مسؤول را به شهروندان اصفهانی گوشزد کرد و از آنها خواست با رعایت نظافت شهری، در این امر خطیر شریک شوند. «ما را در این میزبانی وظیفه‌ای است بس دشوار. هر خاطره خوشی که میهمانان گرمی به سوغات از شهر ما ببرند، عیدی ارزنده‌ای است که به فرد فرد همشهریان عزیز تعلق خواهد داشت... شهرداری اصفهان منطبق با دستورالعمل‌های کمیته هماهنگی نوروزی، متشکل از سازمان‌های دولتی، در کلیه ساعات شبانه‌روز، در اجرای وظایف راهنمایی و پیش‌بینی مسکن و تأمین آسایش میهمانان، با بسیج کلیه نیروهای خود تلاش خواهد کرد.» در ادامه شهردار از شهروندان درخواست کرد: «همچنان که اندرون خانه خود را می‌آرایید، زیبایی فضای بیرونی آن را با رعایت مسائل بهداشتی و نظافت افزون‌تر سازید.» (اصفهان، ش ۲۰۰۶، ۱۳ اسفند ۱۳۴۸).

در نتیجه این تلاش‌ها در فروردین ۱۳۵۰ اوضاع گردشگری داخلی بسیار بهتر شد. بنا به آمارها در ایام تعطیلات ابتدایی نوروز یعنی از ۲۸ اسفند تا ۵ فروردین حدود شصت هزار گردشگر به اصفهان آمده بودند، اما جای نگرانی نبود، چرا که سازمان‌های مختلف از جمله دایره رفاه مسافران زیر نظر شهرداری اصفهان با جدیت مشغول خدمت‌رسانی بودند. «با وجود هجوم ناگهانی دهها هزار نفر مسافر به اصفهان خوشبختانه از لحاظ تأمین مسکن و تهیه ارزاق و مایحتاج عمومی و آسایش آنها، با تأکید قبلی آقای سام، استاندار و اقدامات تیمسار سرلشکر رضانیا، شهردار اصفهان، پیش‌بینی‌های لازم به عمل آمده بود و دایره رفاه مسافران که از بیستم اسفندماه وسیله آقای محمدسلیمانی، رئیس اداره امور اجتماعی شهرداری، تشکیل شده بود، با یک کادر ۵۰ نفری مرکب از کارمندان شهرداری و دانشجویان دانشگاه و اعضای سازمان جوانان حزب ایران نوین، برای خدمت به میهمانان نوروزی آماده گردید.» (اصفهان، ش ۳۴۰۳، ۱۰ فروردین ۱۳۵۴).

اقداماتی که به وسیله سازمان‌های مختلف در شهر انجام شد بدین قرار بود: «دایره رفاه با ایجاد کیوسک‌های اختصاصی در دروازه‌های شهر و گماردن مأموران راهنما، دفترچه راهنمای اصفهان را که

قبلاً وسیله شهرداری تهیه شده، همچنین باغ مصفای دخانیات^۱ با ۶۰ چادر و تجهیزات لازم و نیز تعداد زیادی از خانه‌های مردم که سازمان رفاه آماده نموده بود، وسیله راهنمایان یاد شده در اختیار مسافرانی که موفق به تهیه مسکن نشده بودند، قرار گرفت و درباره ارزاق عمومی نیز قبلاً پیش‌بینی‌های لازم به عمل آمده بود. و با کنترل شدیدی که به وسیله دانشجویان و مأموران شهرداری از هتل‌ها و مسافرخانه‌ها و کافه‌ها و فروشگاهها به عمل می‌آمد، تا حد امکان از اجحاف و گرانیفروشی جلوگیری می‌شد.» (اصفهان، ش ۲۳۱۲، ۱۲ فروردین ۱۳۵۰) چهار سال بعد معلوم شد در تعطیلات نوروزی دویست هزار نفر به اصفهان آمدند. (اصفهان، ش ۳۴۰۳، ۱۰ فروردین ۱۳۵۴).

جالب است بدانیم طی گزارشی در شش ماهه اول سال ۱۳۵۶ حدود ۱۷ میلیون مورد ایرانگردی ثبت شده بود که ۹۸/۸ درصد آن مربوط به ایرانیان و ۱/۲ آن مربوط به سیاحان خارجی بود. در همین مدت استان مازندران ۵۱/۴ درصد از مسافران را به خود جلب کرده بود؛ استان خراسان ۲۵/۵ درصد و سپس نوبت به استان گیلان رسید که ۹/۵ درصد از گردشگران را به خود خوانده بود. در این آمار استان اصفهان با ۱۴۳ هزار نفر گردشگر در مقام هفتم قرار گرفته بود. از این تعداد ۲۹ هزار نفر خارجی و بقیه ایرانی بوده‌اند. (اسنادی از صنعت ... ج ۳: ۱۱۷۵) در مورد اینکه گردشگران خارجی از چه ملیت‌هایی بودند، در سال ۱۳۴۵ مطابق یک آمار حدود یازده هزار نفر گردشگر خارجی به اصفهان آمدند که ۲۳۵۹ نفر آنها آمریکایی، ۱۵۴۷ نفر انگلیسی، ۱۳۱۶ نفر آلمانی، ۱۱۸۲ نفر فرانسوی و ۴۶۴۹ نفر از دیگر کشورها بودند. (کلباسی، ۱۳۵۳: ۱۸۱).

نتیجه‌گیری

با مراجعه به منابع مطبوعاتی مربوط به یکصد سال اخیر، معلوم شد وقتی گردشگری سنتی به گردشگری صنعتی تبدیل گردید، شهر اصفهان چه تغییراتی را در همه ارکان شهر تجربه کرده است. تغییرات محسوس حاوی نکاتی بود که به دلیل گردشگری پذیر بودن این شهر و به این دلیل که به نوعی آبروی کشور محسوب می‌شد، در روند توسعه شهر صورت گرفت. از مرمت آثار باستانی گرفته تا پاکیزگی و نظافت دایمی خیابان‌های شهر، اما تغییرات نامحسوس به خلق و خو و خرده‌فرهنگ شهروندان مربوط می‌شود که زندگی در شهری جهانی و گردشگری‌پذیر، خود به خود شهروندان خاص خود را این‌گونه می‌پرورد. شهروندانی که وظایف میهمانداری را در همه حال از یاد نمی‌برند و سعی خواهند کرد با آبروداری، شهر خویش را به میهمانان عرضه کنند. در عین حال به خوبی آگاه‌اند که معیشت و درآمد آنها به طور مستقیم و غیرمستقیم به صنعت گردشگری وابسته است.

۱. این باغ باصفا در ساحل جنوبی رودخانه زاینده‌رود قرار دارد. اکنون وظیفه اسکان مسافرانی که قصد برپایی چادر دارند برعهده باغ غدیر و باغ فدک است.

فهرست منابع

- اسنادی از صنعت جهانگردی در ایران. (۱۳۸۰). معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سه جلد.
- بیک محمدی، حسن. (۱۳۸۶). *اصفهان و گردشگری*، اصفهان: سازمان فرهنگی- تفریحی شهرداری اصفهان.
- تاریخچه معارف اصفهان*، (۱۳۱۳). اصفهان: اداره معارف اصفهان.
- رجایی، عبدالمهدی. (۱۳۹۴). *برگ‌هایی از تاریخ اجتماعی اصفهان معاصر*، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- رجایی، عبدالمهدی. (۱۳۹۴). «تاریخچه مدیریت گردشگری در ایران و چالش‌های آن»، *رهیافت تاریخی*، سال ۴، ش ۱۳، زمستان.
- رنجبران، بهرام و زاهدی، محمد. (۱۳۸۷). *بازاریابی گردشگری*، اصفهان: چهارباغ.
- روزنامه اخگر*، محل انتشار اصفهان، مدیر امیرقلی امینی.
- روزنامه اصفهان*، محل انتشار اصفهان.
- روزنامه اطلاعات*، محل انتشار تهران.
- روزنامه خبرهای روز اصفهان*، محل انتشار اصفهان.
- روزنامه راه نجات*، محل نشر اصفهان.
- روزنامه عرفان*، محل انتشار اصفهان.
- روزنامه فرهنگ اصفهان*، محل انتشار، اصفهان.
- روزنامه مجاهد*، محل انتشار اصفهان.
- زیرک‌باش، دیبا. (۱۳۸۸). *اصفهان و بازار گردشگری*، اصفهان: سازمان فرهنگی- تفریحی شهرداری اصفهان.
- کلباسی، علی. (۱۳۵۳). *اقتصاد شهر اصفهان*، تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- نیکزاد امیرحسینی، کریم. (۱۳۳۸). *تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان*، بیجا.
- هنر فر، لطف‌الله. (۱۳۴۴). *راهنمای اصفهان*، تهران: سازمان جلب سیاحان.